

اشهد

ویژه‌نامه بررسی
مبانی فقهی رؤیت ماه
با چشم مسلح یا غیرمسلح و اختلاف افق‌ها

هفته‌نامه افق حوزه ▪ دوشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ ▪ ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۴۳ ▪ ۲۵ آوریل ۲۰۲۲ | شماره دوم

چند نکته مهم درباره رؤیت هلال

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

در عصر صنعتی شدن دنیا و عصری که به عصر جهانی شدن لقب گرفته، مشکل اختلاف در برداشت‌های اجتهادی در مسائل سیاسی و اجتماعی می‌تواند در قالب یک مشکل بزرگ، نمایان و موجب ضعف مسلمانان در برابر بیگانگان شود؛ به‌ویژه آنکه بدانیم مسلمانان جهان مناسک دینی و اعمال مذهبی خود را بر اساس تقویم هجری قمری بجا می‌آورند. مبنای این تقویم رؤیت هلال است که در تاریخ علوم اسلامی به‌ویژه فقه، بسیار مورد توجه علما و فقهای اسلامی قرار گرفته است.

در این مقاله، ماه یک تقویم طبیعی برای افراد بشر محسوب می‌شود که مردم اعم از باسواد و بی‌سواد و در هر نقطه‌ای از جهان که باشند، می‌توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند، نه تنها آغاز، وسط و پایان ماه را می‌توان با آن شناخت، بلکه با دقت، شب‌های ماه را نیز می‌توان تشخیص داد و بدیهی است نظام زندگی اجتماعی بشر بدون تقویم، یعنی یک وسیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ، امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، خداوند بزرگ برای نظام زندگی، این تقویم جهانی را در اختیار همگان قرار داده است.

در این مقاله، ماه یک تقویم طبیعی برای افراد بشر محسوب می‌شود که مردم اعم از باسواد و بی‌سواد و در هر نقطه‌ای از جهان که باشند، می‌توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند، نه تنها آغاز، وسط و پایان ماه را می‌توان با آن شناخت، بلکه با دقت، شب‌های ماه را نیز می‌توان تشخیص داد و بدیهی است نظام زندگی اجتماعی بشر بدون تقویم، یعنی یک وسیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ، امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، خداوند بزرگ برای نظام زندگی، این تقویم جهانی را در اختیار همگان قرار داده است.

معرفی کتاب

ثبوت الهلال فی الأماكن المتباعدة

آیت الله محسن ارآکی

ثبوت الهلال فی الأماكن المتباعدة، خلاصه مباحث درس خارج آیت‌الله محسن ارآکی پیرامون ثبوت هلال در مکان‌های دور است که به همت نشر ناب ماندگار چاپ و منتشر شده است.

ساختار کتاب

کتاب مشتمل بر تمهید (در چهار نکته) و دو قسم است. قسم اول حاوی سه امر است و قسم دوم در نقد دیدگاه آیت‌الله العظمی خوبی است.

گزارش محتوا

از قضایای مورد ابتلای عموم مسلمین به‌ویژه در عصرهای اخیر پس از پراکنده شدن مسلمین در اقصی نقاط عالم، موضوعی است که گاه به «اتحاد یا اختلاف افق» یا به عبارت دقیق‌تر «حکم ثبوت هلال بین اماکن دور» از آن تعبیر می‌شود؛ بدین معنی که آیا ثبوت هلال و رؤیت آن در یک کشور برای ثبوت آن در سایر بلاد - اگرچه از کشور رؤیت دور باشد - کفایت می‌کند؟

نویسنده پیش از ورود به بحث چهار نکته را توضیح دهد: ماه طبیعی فلکی؛ ماهی که با ولادت هلال یعنی خروج هلال از محاق متولد می‌شود. ماه فلکی در مقابل ماه شرعی یا عرفی (به معنای ماهی است که شمع، آغاز آن را معین نموده) است. ظهور هلال؛ برای همه مردم زمین ظهور واحدی نیست؛ بلکه گاه برای

رسالة حول مسألة رؤية الهلال

آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی

رسالة حول مسألة رؤية الهلال، اثر آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی است که آن را به زبان عربی، در نقد فتوای استاد خویش، حضرت آیت‌الله خوبی، مبنی بر کفایت رؤیت هلال در یک ناحیه از عالم برای همه کشورهای اسلامی و عدم لزوم اتحاد بلاد در افق، تألیف نموده و آن را خدمت استاد فرستاده است.

از آن‌جا که فتوای استاد با ادله‌ای که بر آن اقامه نموده، در نظر مؤلف ناتمام بوده است، لذا به تألیف این رساله همت گمارده است.

ساختار

کتاب، حاوی سه نامه از مؤلف و دو پاسخ از آیت‌الله العظمی خوبی است.

گزارش محتوا

برای آشنایی اجمالی با محتوای رساله و شیوه کار مؤلف، بخش‌هایی از آن را می‌آوریم؛ نگارنده، عین فتوای مشهور آیت‌الله سید ابوالقاسم خوبی را همراه با ادله آن نقل کرده که خلاصه آن چنین است: «ظاهراً رؤیت هلال، در یکی از بلاد، برای همه بلاد دیگر کافی است مطلقاً، چون اولاً پیدایش ماه‌های قمری بر اساس وضعیتی است که ماه، در حرکت طبیعی خود نسبت به خورشید می‌یابد و در نهایت، این

حکمت، به حالت محاق درمی‌آید که در هیچ‌یک از بلاد، قابل رؤیت نیست و وقتی ازاین حالت بیرون آمد و امکان رؤیت آن پیدا شد، یک ماه قمری پایان می‌یابد و ماه قمری دیگر آغاز می‌شود و معلوم است که بیرون آمدن ماه از وضعیت مزبور، آغاز ماه قمری جدید برای همه بلاد است، نه برای برخی؛ گر چه در بعضی از جاها دیده شود و در برخی، خیر که این، به خاطر وجود موانع است و ربطی به عدم خروج آن از محاق ندارد....

ثانیاً تصویبی دال بر فتوای مزبور وجود دارد، از جمله، امام صادق علیه السلام، در مورد شخصی که بیست‌ونه روز، روزه گرفته است، می‌فرماید: اگر بینه عادل وجود دارد مبنی بر اینکه در شهری، مردم، بر اساس دیدن ماه، سی روز، روزه گرفته‌اند، وی یک روز را قضا می‌کند. اطلاق این روایت، دال بر این است که وقتی در شهری، ماه، سی روز بود، در بقیه شهرها نیز همین‌گونه است؛ خواه افق‌شان یکی باشد خواه خیر....

آن‌گاه از دو جهت علمی و شرعی، به بررسی آن می‌پردازد. از جهت علمی، با کمک گرفتن از اطلاعات نجومی و ریاضی و جغرافی خویش در مورد گردش ماه به دور زمین از مغرب به مشرق در یک دور کامل و معرفی افق حقیقی در هر ناحیه‌ای و یکسان نبودن حرکت زمین به دور خورشید و....، به این نتیجه می‌رسد که اولاً خروج ماه از تحت‌الشعاع (حالت محاق)، هیچ دخلی به تحقق ماه قمری ندارد؛ ثانیاً، رؤیت، در تحقق ماه قمری دخیل است؛ ثالثاً، در هر بلدی که در آغاز شب، رؤیت هلال، محقق شود، آغاز ماه، تحقق می‌یابد و در هر بلدی که رؤیت محقق نشود



«چند نکته مهم درباره رؤیت هلال» از جمله آثار مهم و ارزشمندی است که به قلم آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی به زیور طبع آراسته شده است و به بررسی جوانب مختلف و ادله مبحث رؤیت هلال به‌ویژه مسائل مرتبط با رؤیت هلال با تلسکوپ و اتحاد افق پرداخته است. انگیزه مؤلف دانشمند اثر که کتاب را طبق درخواست برخی از طلاب و فضایی حوزه به رشته تحریر درآورده است، حل معضل رؤیت هلال ماه شوال است که موجبات اختلاف‌های ناروا، بین امت اسلامی مخصوصاً شیعیان شده است.

• وحدت: اصل اساسی دین اسلام

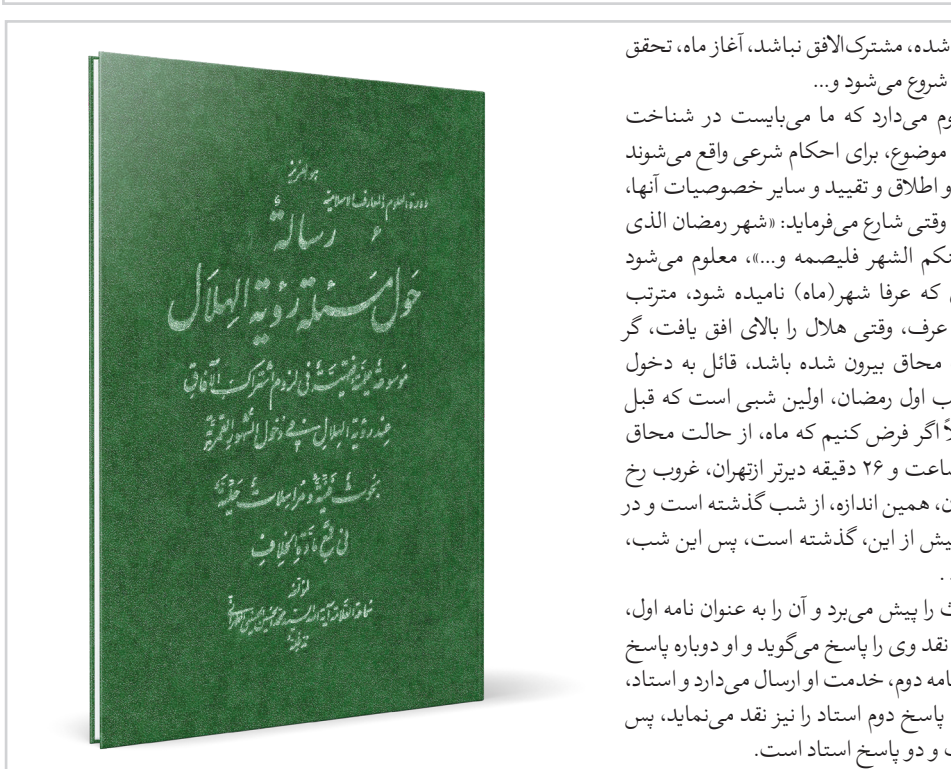
معظم‌له ضمن تبیین چالش‌هایی که به واسطه اختلاف نظر در مبحث رؤیت هلال بین افراد جامعه اسلامی و حتی خانواده‌ها به وجود آورده، وحدت را از اصول اساسی دین اسلام برشمرده است. ایشان می‌گویند: چگونه در یک روز جمعی به نماز عید ایستاده و در قنوتش می‌خوانند: ... و جعلته للمسلمین عیداً؛ یعنی امروز را تو برای مسلمانان عید مقرر کرده‌ای، در حالی که معلوم نیست منظور از مسلمانان چه کسانی هستند، زیرا عده دیگری در گوشه‌ای مشغول خواندن دعای ماه مبارک رمضان هستند.

آیت‌الله خوبی در رساله‌اش «منهاج الصالحین» به صورت مستدل کفایت رؤیت هلال در یک کشور را برای کشورهای دیگری که با آن کشور در بخشی از شب مشترک هستند اثبات کرده است؛ اگرچه اول شب در کشور اول، آخر شب در کشور دیگر باشد. وی بر این موضوع به دو وجه علمی و شرعی استدلال کرده است.

در رساله «اسئله حول رؤية الهلال مع اجوبتها»، آیت‌الله سیدعلی سیستانی؛ پس از نقل کلام مرحوم آیت‌الله خوبی در «منهاج الصالحین» و بیان استدلالات ایشان در زمینه مسائل هیوی و ادله نقلی، به پاسخ آن‌ها اقدام کرده و نقض‌هایی بر آن وارد ساخته و روایات مطروحه از مرحوم آیت‌الله خوبی و روایاتی دیگر که خود ایشان ضمیمه کرده است را یک‌به‌یک پاسخ داده است.

• وضعیت کتاب

معانی برخی الفاظ، مستند روایات و ارجاع به منابع در پاورقی‌های کتاب ذکر شده است. فهرست مطالب در انتهای اثر ذکر شده است.



در این مقاله، ماه یک تقویم طبیعی برای افراد بشر محسوب می‌شود که مردم اعم از باسواد و بی‌سواد و در هر نقطه‌ای از جهان که باشند، می‌توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند، نه تنها آغاز، وسط و پایان ماه را می‌توان با آن شناخت، بلکه با دقت، شب‌های ماه را نیز می‌توان تشخیص داد و بدیهی است نظام زندگی اجتماعی بشر بدون تقویم، یعنی یک وسیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ، امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، خداوند بزرگ برای نظام زندگی، این تقویم جهانی را در اختیار همگان قرار داده است.

در این مقاله، ماه یک تقویم طبیعی برای افراد بشر محسوب می‌شود که مردم اعم از باسواد و بی‌سواد و در هر نقطه‌ای از جهان که باشند، می‌توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند، نه تنها آغاز، وسط و پایان ماه را می‌توان با آن شناخت، بلکه با دقت، شب‌های ماه را نیز می‌توان تشخیص داد و بدیهی است نظام زندگی اجتماعی بشر بدون تقویم، یعنی یک وسیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ، امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، خداوند بزرگ برای نظام زندگی، این تقویم جهانی را در اختیار همگان قرار داده است.

توسط ابزار را شامل می‌شوند یا خیر.

- بررسی آرای فقها**

فقه‌های متقدم از بین معاصران و حتی فقه‌های متأخرتر و نیز متأخرین و قدما، هیچکدام به این مسئله نپرداخته‌اند. [از بین معاصران] امام خمینی ^{رحمه} به عدم ثبوت هلال با چشم مسلح فتوا داده است.^{۱۰} آیت‌الله خوئی، شهید صدر ^{رحمتهما}؛^{۱۱} و بیشتر معاصران نیز همین نظر را پذیرفته‌اند. در مقابل، برخی فقه‌های معاصر نظر مخالف را برگزیده‌اند. برخی از فقها، فتوای بیشتر معاصران را به نظر مشهور تعبیر کرده‌اند؛ گویا خواسته‌اند، تکیه‌گاه نظر خود را مشهور معاصرین قرار دهند؛ اما این تعبیر نادرست است؛ زیرا شهرت فتوایی میان فقه‌های متأخر اهل تحقیق (از علامه حلی و فقه‌های بزرگ پس از او) بی‌اعتبار است. با این حال، تکلیف شهرت میان فقه‌های متأخرتر و به طریق اولویت میان معاصران روشن می‌شود.

- ادله عدم اثبات هلال با چشم مسلح**

برای عدم اثبات هلال با چشم مسلح می‌توان از راه‌های زیر استدلال‌هایی کرد:

۱۰. ظاهر لفظ هلال، بر اساس وضع لغوی؛

در برخی روایات، لفظ هلال در وجوب روزه و افطار اخذ شده است. مانند صحیححه منصورین حازم به نقل از ابی‌عبدالله ^{رضی} و نیز صحیححه ابی‌بصیر: «صُم لروِیة الهلال و أفطر لروِیته»^{۱۲} و صحیححه محمدبن قیس از ابی‌جعفر ^{رضی}: «قال أمیرالمؤمنین رضی إذا رأیت الهلال فافطروا» و روایات مشابه بسیار دیگر.

در معنای حقیقی و موضوع‌له هلال، معتبر این است که برای عموم مردم قابل رؤیت و مشاهده باشد؛ چنانکه از نوشته خلیل ^{رضی} هم‌روزگار امام کاظم ^{رضی} برمی‌آید. او آورده است: «الهلال غرّة القمر حین یَهله الناس فی غرة الشهر یقال أهْل الهلال».^{۱۳} عبارت «حین یهله الناس» در این ظهور دارد که باید در وضعیت و زمانی باشد که برای مردم قابل رصد باشد.

ازهری نیز از لیث، همان عبارت خلیل را نقل کرده است، با این اضافه که: «یقال: أهْل القمر ولا یقال: أهْل الهلال».^{۱۴} آنگاه ازهری به‌زعم اشتباه بودن سخن لیث، چنین اشکال کرده است: «قلتُ: هذا غلط و كلام العرب: أهْل الهلال».^{۱۵} آنچه در عبارت لیث آمده است، درست‌تر می‌نماید؛ زیرا وقتی ماه به‌دلیل رصد مردم، به هلال متصف می‌شود، این گفته مردم: «أهْل الهلال» از قبیل قضیه بشرط محمول خواهد بود؛ اما این اشکال عقلی منطقی در مکالمات عرف، نادیده گرفته می‌شود. در هر حال، این اشکال به ظهور کلام مردم در اخذ قید مزبور [قابل رؤیت بودن برای عموم مردم] در معنای واژه هلال، خللی وارد نمی‌کند. شاهد مطلب، جملاتی است که در عبارات لغت‌شناسان پیشین در تعلیل نام‌گذاری هلال به این اسم، آمده است. برای مثال، ازهری از ابویکر محمدبن دُرَیْدِ اِزْدی ^{رضی} نقل کرده است که: «قال أبویرک: قال أبوالمیاس ^{رضی}: "سمی الهألال هلالاً لأن الناس یرفعون أصواتهم بالإخبار عنه وأهْل الرجل و استهَلَّ إذا رفع صوته».^{۱۶}

بنابر این، لفظ هلال برای سفیدی ماه که برای همه مردم با چشم عادی قابل مشاهده است، وضع شده است و آن قسمت از ماه را که صرفاً از محاق بیرون آمده و برای کسی قابل رؤیت نیست، شامل نمی‌شود. پس معنای موضوع‌له هلال و ظهور وضعی آن، بر سفیدی ماه پیش از خروج آن از محاق، اطلاق نمی‌گردد و اراده معنایی عام که رؤیت غیرمتعارف را نیز در برگیرد، با ظاهر نصوص مورد نظر سازگار نیست و در چنین مواردی، معیار، اصالت الحقیقه خواهد بود.

پرواضح است که توضیح مزبور، علت وضع لفظ هلال برای معنای یادشده نیست و از این رو جای طرح این اشکال نیست که در مقام بیان علت و حکمت هستیم. علت وضع، همان ظهور عبارت خلیل و لغت‌شناسان دیگری است که هم‌روزگار معصومان ^{رضیهم} بوده‌اند. ظهور عبارت آنان در این است که پیدایی قابل مشاهده از راه رؤیت متعارف، در معنای لفظ هلال اخذ شده و ارتکاز اذهان عرف آن زمان نیز همین معناست؛ به‌گونه‌ای که با شنیدن لفظ هلال، این معنا به اذهانشان تبادر می‌کرده است.

۲۰. در احادیث، در موضوع وجوب روزه و افطار، رؤیت به هلال اضافه شده است و ظاهر آن، رؤیت متعارف را می‌رساند؛ زیرا رؤیت از عناوین عرفی است و زمانی که به‌صورت مطلق بپیاید، در معنای متعارف ظهور خواهد داشت؛ زیرا این معناست که به ذهن، تبادر پیدا می‌کند. پس اگر رؤیت به هلال اضافه شود، به حکم تبادر، در رؤیت متعارف با چشم عادی ظهور خواهد داشت.

سز مطلب در این است که شایع در موضوع رؤیت هلال، مطابق ارتکاز و فهم عادی و متعارف مردم با آنان سخن می‌گوید؛ چنانکه در هر موضوع دیگری که اقتضای آن سخن گفتن شایع با مردم باشد، چنین است. اگر ادبیات و خطاب شایع بر اساس فهم رایج عرفی نباشد، بیانی صورت نخواهد گرفت؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم»^{۱۷} لفظ «ل» در آیه برای بیان غرض است و مقصود آیه عبارت است از: تناسب و هماهنگی بیان شایع با زبان قوم و ارتکازات متعارف و گویشی آنان و فهم عادی و عرفی‌شان و اینکه غرض از این هماهنگی آن است که بیان، تحقق یابد و تفهیم، آسان شود؛ زیرا در غیر این صورت، اقراء به جهل پیش می‌آید؛ به این صورت که شایع از سخن خود، معنایی را قصد کند؛ اما مخاطبان معنای دیگری را برداشت نمایند. علت اصلی اینکه ادبیات و بیان شایع باید بر اساس فهم عرفی باشد، همین است. به‌همین جهت است که می‌گوییم: مقصود شایع از «صم للروِیة و أفطر للروِیة» رؤیتی است که برای عموم مردم مقدر باشد و این زمانی اتفاق می‌افتد که سفیدی ماه در آسمان ظاهر شود و عموم مردم بتوانند با چشم عادی و متعارف آن را ببینند، نه با استفاده از دستگاه‌هایی از قبیل آنچه گفته شد؛ زیرا از لفظ رؤیت مطلق و بدون قرینه، این نوع رؤیت به اذهان اهل عرف این زمان، چه رسد به عرف زمان شایع، انسباق پیدا نمی‌کند.

۳۰. پاره‌ای روایات بر این دلالت دارند که جواز شهادت در خصوص قاعده محاوره و گویش فوق به این مسئله اختصاص ندارد؛ بلکه در همه عبارات شایع که در آن‌ها حکم به عناوین عرفی تعلق گرفته است، جاری می‌شود؛ زیرا این قاعده، یک ضابطه گویشی میان عقلاست و شایع نیز از آنان به‌شمار می‌آید و آیه مذکور در واقع، مطابقت شیوه شایع با سیره عقلا را گوشزد می‌کند.

پرواضح است که عناوین عرفی اخذشده در موضوع حکم، از لحاظ موضوعی در ثبوت حکم دخالت دارد؛ زیرا فرض این است که [این عناوین] در لسان خطاب شایع، به‌عنوان موضوع حکم آمده‌اند و مسلم است که رؤیت هلال با معنای متعارفی که دارد، به‌عنوان موضوع وجوب روزه و افطار اخذ شده است.

۳۰. پاره‌ای روایات بر این دلالت دارند که جواز شهادت در خصوص رؤیت هلال، به وجود بیش از پنجاه مرد منوط است. مانند روایت حبیب خزاعی: «قال أبوعبدالله رضی: لا یجوز الشهادة فی روِیة الهلال دون خمسين رجلا»^{۱۸} و وجه دلالت این است که رؤیت پنجاه مرد، تنها وقتی ممکن خواهد بود که هلال به‌گونه‌ای آشکار شود که برای عموم مردم قابل مشاهده باشد.

رؤیت هلال با چشم مسلح

آیت‌الله سیفی مازندرانی



حلول ماه‌های قمری با رؤیت هلال ثابت می‌شود. از صدر اسلام تا سده اخیر، رؤیت هلال به‌طور طبیعی و بدون استفاده از ابزارهایی مانند دوربین و تلسکوپ صورت می‌گرفت؛ اما در سده اخیر برای رؤیت از ابزار هم استفاده می‌شود. اکنون این سؤال پیش می‌آید که اگر هلال فقط با ابزار رؤیت شد و بدون آن به هیچ‌وجه قابل رؤیت نبود، آیا باز هم حلول ماه ثابت می‌شود یا نه؟ این سؤالی است که آیت‌الله سیفی مازندرانی در مقاله ذیل به آن پاسخ داده‌اند.

لغت‌دانان میان رؤیت به‌معنای علم و رؤیت با چشم فرق نهاده‌اند. جوهری گفته است: «الرؤیة بالعين تتعدّی الی مفعول واحد و بمعنی العلم تتعدی الی مفعولین. یقال: رأی زیداً عالماً».^۱ ابوهلال عسکری نیز گفته است: «تفاوت رؤیت و علم این است که رؤیت تنها به موجود تعلق می‌گیرد؛ ولی علم شامل موجود و معدوم می‌شود. در هر رؤیتی که به‌طور صحیح انجام گیرد و از هر آفتی به‌دور باشد، شیء مرئی ضرورتاً معلوم خواهد بود. همچنین هر رؤیتی به امری محدود یا قائم به محدود تعلق می‌گیرد؛ همان‌طور که اقتضای هر حس لامسه‌ای آن است که به امری محدود یا قائم به محدود تعلق گیرد.



فقه‌های متقدم از بین معاصران و حتی فقه‌های متأخرتر و نیز متأخرین و قدما، هیچکدام به این مسئله نپرداخته‌اند. [از بین معاصران] امام خمینی ^{رضی} به عدم ثبوت هلال با چشم مسلح فتوا داده است . آیت‌الله خوئی، شهید صدر ^{رحمتهما}؛^{۱۱} و بیشتر معاصران نیز همین نظر را پذیرفته‌اند. در مقابل، برخی فقه‌های معاصر نظر مخالف را برگزیده‌اند. برخی از فقها، فتوای بیشتر معاصران را به نظر مشهور تعبیر کرده‌اند؛ گویا خواسته‌اند، تکیه‌گاه نظر خود را مشهور معاصرین قرار دهند؛ اما این تعبیر نادرست است؛ زیرا شهرت فتوایی میان فقه‌های متأخر اهل تحقیق (از علامه حلی و فقه‌های بزرگ پس از او) بی‌اعتبار است. با این حال، تکلیف شهرت میان فقه‌های متأخرتر و به طریق اولویت میان معاصران روشن می‌شود.

رؤیت در لغت سه‌گونه است:

۱۰. به‌معنای علم. خداوند می‌فرماید: «و نراه قریباً»؛ یعنی روز قیامت را نزدیک می‌دانیم، از آن جهت که هر آنچه آمدنی است، نزدیک است؛^۱
۲۰. به‌معنای ظن. خداوند می‌فرماید: «إنهم یرونه بعیدا»؛ یعنی گمان می‌کنند قیامت دور است. رؤیت در این آیه به‌معنای علم نیست؛ زیرا معقول نیست چیزی که در علم خداوند نزدیک است، یقین به دور بودن آن داشته باشند. استعمال رؤیت در این دو وجه، مجازی است؛

- بررسی لغوی الفاظ «شهود»، «رؤیت» و «هلال»**

در متون قرآن و سنت، شهود شهر و رؤیت هلال، در موضوع وجوب روزه و افطار، اخذ شده است. در ماده «شهود»، علم حضوری از راه معاینه (مکاشفه) و در ماده «رؤیت» دیدن شیء مرئی با چشم معتبر است. واژه «هلال» نیز، در لغت برای سفیدی و طلوع ماه، زمانی که از محاق بیرون آمده و عموم مردم بتوانند آن را ببینند، وضع شده است. با این قرینه، مقصود از شهود شهر در آیه را می‌توان دریافت.

- منشأ شکل‌گیری هلال و معنای خروج آن از محاق**

شکل‌گیری هلال بدین صورت است که ماه در مسیر دورانی خود به دور زمین، میان خورشید و زمین قرار می‌گیرد و وضعیتی را پدید می‌آورد که مانع تابش خورشید به آن سوی ماه که روبه‌روی زمین قرار دارد می‌شود و به‌همین دلیل، تاریکی این سمت از ماه را فرا می‌گیرد. وقتی این تاریکی، فراگیر می‌شود، محاق شکل می‌گیرد. پس از آن، نخستین جزء از ماه که از زیر این سایه بیرون می‌آید و نور خورشید بر آن می‌تابد، به‌شکل هلال ظاهر می‌شود و زمانی که در آسمان پدیدار می‌گردد و می‌توان آن را دید، «هلال» نامیده می‌شود. سپس به‌تدریج همه اجزای آن از زیر سایه بیرون می‌آید، تا جایی که نور خورشید به تمام آن طرفی که روبه‌روی زمین قرار دارد، می‌تابد. در این حالت آن را بدر می‌نامند.

نخستین قسمت قرص ماه که از نقطه محاق بیرون می‌آید، هلال نامیده نمی‌شود؛ بلکه زمانی هلال بر آن اطلاق می‌گردد که چند ساعت از زمان خروج گذشته باشد و عموم مردم بتوانند آن را ببینند. این مسئله نزد فقه‌ای متأخر و نیز متأخرتر (متأخر و المتأخرین) مطرح نبوده است و تنها فقه‌های معاصر به آن پرداخته‌اند. نظر مشهور در میان آنان، از جمله دو عالم برجسته؛ امام خمینی و آیت‌الله خوئی ^{رضی} آن است که با چشم مسلح، رؤیت هلال ثابت نمی‌شود.

- بررسی لغوی و تعیین محل نزاع**

در آیه «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه» شهود ماه در موضوع وجوب روزه، اخذ شده است. چنانکه در متون سنت، رؤیت در موضوع وجوب روزه و افطار، معتبر شمرده شده است؛ بنابراین بایسته است در آغاز، ماده «شهود» و «رؤیت» را از نظر لغوی بررسی کنیم تا روشن شود، معنای متبادر از این دو واژه در عرف زمان شایع چه بوده است. برای این منظور باید به سخنان لغت‌شناسان پیشین معاصر با زمان شایع مراجعه کنیم؛ چراکه مبنای خطاب و ادبیات قرآن کریم و پیامبر ^{صلی} و امامان معصوم ^{علیهم} فهم عرفی و رایج در آن زمان است.

- رؤیت**

لغت‌دانان معاصر و هم‌روزگار با شایع، مانند خلیل، ازهری، شَمُور، ابن‌سُمَیل و دیگران، رؤیت را به دیدن با چشم سر و مشاهده مستقیم تفسیر کرده‌اند. خلیل آورده است: «و رأیتُ بعینی رؤیة… و رأیتُه رأئَ‌العین، آی: حیث یقع البصر علیه».^۲ همین تعبیر در عبارت ازهری نیز آمده است.^۳

همچنین ازهری گفته است: «شُور حدیثی را به سند خود از ابا البختری نقل کرده است که: تراءینا الهلال بذات عرق، فسألنا ابنَ‌عباس، فقال: إن رسولَ‌الله ^{صلی} مدَّه إلی رؤیته، فإن أغمِی علیکم فاکملوا العِدة. شُور می‌گوید: قوله: تراءینا الهلال، آی تکلفنا النظر إلیه هل نراه أم لا. شُور ادامه می‌دهد: قال ابن‌سُمَیل: انطلق بنا حتی نَهَل الهلال، آی نظر آنراه وقد تراءینا الهلال: آی نظرنراه و قال الفراء: العرب تقول: راءیتُ و رأیتُ».^۴

عبارت «مدَّه إلی رؤیته» یعنی آن را حساب کرد و اندازه گرفت. «مدَّ» از ماده «مداد» به‌معنای شماره و اندازه است؛ چنانکه در دعانیز به‌همین معنا آمده است: «سبحان‌الله مداد کلماته».^۵ این احتمال نیز وجود دارد که «مدَّ» به‌معنای گستردن و توسعه دادن باشد؛ همان‌طور که در آیات «هو الذی مدالأرض»^۶ و «ألم تر الی ربک کیف مدالظل»^۷ آمده است. بر اساس معنای نخست، معنای روایت این است که پیامبر ^{صلی} رؤیت هلال را ملاک اندازه‌گیری آن به‌شمار آورد و بر اساس معنای دوم، هلال را تا رؤیت آن، توسعه داد. در هر حال مقصود، منوط کردن ثبوت هلال به رؤیت آن است.

^[1] فقه‌های متقدم از بین معاصران و حتی فقه‌های متأخرتر و نیز متأخرین و قدما، هیچکدام به این مسئله نپرداخته‌اند

^[2] ادامه در صفحه ۷



در صورتی که آن محل با محل های دیگر در شب اگرچه در مقدار کمی باشد، اشتراک داشته باشند». (فتاوی جدید در ۲۴ ماه مبارک رمضان ۱۴۲۵ ق)
«اگر اول ماه در شهری ثابت شود، برای همه شهرهایی که با آن شهر در قسمتی از شب شریک هستند، کفایت می‌کند». (مسئله ۱۷۸۵ رساله)
«اول ماه با تلفن، تلگراف، رادیو و وسایل اطلاع‌رسانی جدید در صورتی ثابت می‌شود که: ۱. در شهر مبدأ که اول ماه در آن ثابت شده، به یکی از راه‌هایی که در مسأله ۱۷۸۰ ذکر شده، ثابت شده باشد. ۲. انسان از خبر مذکور اطمینان به صحت آن پیدا کند. ۳. شهری که در آن اول ماه ثابت شده، با شهر مذکور در مقداری از شب شریک باشند». (مسئله ۱۷۸۶ رساله)
۵ آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت
«اگر در شهری ماه دیده شد، در صورتی برای ساکنین شهر دیگر مفید است که یقین یا اطمینان بکنند، اگر در آسمان یا زمین مانعی نبود در آنجا هم ماه دیده می‌شد، چه در شرق باشد یا در غرب؛ ولی اگر به این مطلب یقین نداشته باشند، نمی‌توانند به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کنند» (مسئله ۱۳۷۲ رساله)

۶ آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی

– تفاوت شهرها در ثبوت اول ماه: اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد؛ مگر بدانند که اگر در شهر اول ماه دیده شود، در شهر دوم هم ماه دیده می‌شود. (رساله توضیح‌المسائل، ص ۳۳۹ م. ۱۷۲۲)
س: وسعت جغرافیایی بعضی از کشورهای جهان، موجب احتمال دیده شدن ماه در برخی از مناطق کشور و قابل رؤیت نبودن هلال در سایر نقاط آن کشورها می‌شود؛ حکم آغاز ماه در کشورهای این چنینی چگونه است؟
ج: هر منطقه کشور، حکم مستقل خود را دارد و لازم نیست، در تمام یک کشور، اول ماه از یک شب آغاز گردد. (احکام و استفتائات روزه، ص ۱۱۴، م. ۲۲۶)
۷ آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی

بعید نیست کفایت رؤیت ماه در هر محلی برای سایر نقاط. (مسئله ۱۷۴۴ رساله)
«به‌طور کلی در هر نقطه از زمین که ماه رؤیت شود، برای هر نقطه دیگر که بعداً روز می‌شود، آن روز، روز اول ماه است». (جامع‌الاحکام، ج ۱، ص ۱۳۲، س ۲۶۰)
«به‌نظر حقیر، رؤیت هلال اگر به یکی از راه‌هایی که در رساله‌های عملیه مذکور است، ثابت شود، برای همه نقاطی که روزشان بعد از آن است، کفایت می‌کند». (جامع‌الاحکام، ج ۱، ص ۱۳۲–۱۳۳، س ۲۶۱)

«به‌نظر حقیر، بعید نیست رؤیت هلال در هر نقطه‌ای، برای نقاط دیگر که در ساعت رؤیت هلال در آن شب یا روز باشد، کافی باشد؛ یعنی روز بعد از آن روز یا شب، برای آنها روز اول ماه است». (جامع‌الاحکام، ج ۱، ص ۱۳۳، س ۲۶۳)

تذکر: از مجموع فتاوا برداشت می‌شود که ایشان قائل به مبنای «اشتراک در بخشی از شب هستند؛ این برداشت، در پریش حضوری گردآورنده از دفتر ایشان در قم، مورد تأیید قرار گرفت.

۸ آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی

«اگر در شهری اول ماه ثابت شود، در شهرهای دیگر –چه دور باشند چه نزدیک، چه در افق متحد باشند یا نه– در صورتی‌که در بیشتر از شب مشترک باشند، ثابت می‌شود و در غیر این صورت، ثبوت اول ماه در آنجا محل اشکال است». (مسئله ۱۷۲۳ رساله)

۹ آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

«اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای شهرهای دیگر که با آن نزدیک است، کافی است و همچنین شهرهای دوردستی که افق آنها با هم متحد است». (مسئله ۱۲۵۸ رساله)

۱۰ آیت‌الله‌العظمی سیستانی

اگر در شهری اول ماه ثابت شود، در شهرهای دیگر که در افق با آن شهر متحد می‌باشند، (اتحاد افق داشته باشند)، نیز اول ماه ثابت می‌شود و منظور از اتحاد افق در اینجا آن است که اگر در شهر اول ماه دیده شود، در شهر دوم اگر مانعی مانند ابر یا گرد و غبار نباشد، دیده می‌شود.

۱۱ آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدسعید حکیم

«اگر در شهری ماه دیده شود، نسبت به همه شهرهایی که در طرف غرب آن شهر قرار دارند، حلول ماه ثابت می‌شود؛ اما نسبت به شهرهایی که در شرق آن شهر قرار دارند، فقط برای شهرهایی حجت است که جزء سه قاره آسیا – و بالتبع استرالیا– آفریقا و اروپا باشند؛ ولی نسبت به قاره‌های آمریکا و اقیانوسیه حجت نمی‌باشند. اگر در قاره‌های آمریکا و اقیانوسیه ماه دیده شود، نسبت به تمامی مناطق آن دو قاره حجت می‌باشد. ولی نسبت به سه قاره دیگر حجت نمی‌باشد». (رساله، ص ۲۶۳ م. ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸)

«اگر در شهری ماه دیده شود، نسبت به همه شهرهایی که در طرف غرب آن شهر قرار دارند، حلول ماه ثابت می‌شود؛ اما نسبت به شهرهایی که در شرق آن شهر قرار دارند، فقط برای شهرهایی حجت است که جزء سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا باشند (که با محل رؤیت هلال، شب مشترک دارند)؛ ولی نسبت به قاره‌های آمریکا و اقیانوسیه حجت نیست». (منتخب‌المسائل، ص ۱۵۲–۱۵۵ م. ۱۵۵۰ و ۱۵۴)

۱۲ آیت‌الله‌العظمی بشیرحسین نجفی

«إذا ثبت الهلال فی بلد وجب ترتیب اثره علی جمیع البلدان علی وجه المعموره». (منهاج‌الصالحین، ص ۲۰۷ م. ۱۰۴۴)
«إذ اثبت الهلال فی منطقة ثبت أول الشهر لجميع أهل بقاع الأرض کلهم». (استفتاء، در احکام هلال)

تهیه و تنظیم: محسن فصاحت به نقل از شبکه اجتهاد



اختلاف مبانی فقهی مراجع عظام تقلید درباره «راه‌های ثابت‌شدن اول ماه»، در آغاز ماه‌های قمری تأثیرگذار است. در این بحث، آنچه تأثیر بیشتری دارد، دو مبنای «رؤیت هلال با چشم عادی یا مسلّح و اشتراط اتحاد افق یا عدم آن» است که در این مطلب، فتاواي مراجع در این دو بخش، ذکر و جمع‌بندی می‌شود. (برخلاف برخی سایت‌ها، جدیدترین نظر مراجع لحاظ شده و برای هر فتوا، لینک معتبرترین منبع در اینترنت داده شده‌است).

فتاوا و احکام رؤیت هلال

مبانی «رؤیت هلال با چشم عادی یا مسلح و اشتراط اتحاد افق یا عدم آن»

اختلاف مبانی فقهی مراجع عظام تقلید درباره «راه‌های ثابت‌شدن اول ماه»، در آغاز ماه‌های قمری تأثیرگذار است. در این بحث، آنچه تأثیر بیشتری دارد، دو مبنای «رؤیت هلال با چشم عادی یا مسلّح و اشتراط اتحاد افق یا عدم آن» است که در این مطلب، فتاواي مراجع در این دو بخش، ذکر و جمع‌بندی می‌شود. (برخلاف برخی سایت‌ها، جدیدترین نظر مراجع لحاظ شده و برای هر فتوا، لینک معتبرترین منبع در اینترنت داده شده‌است).

ج: نعم، بنطبق ذلك علی جمیع‌الشهور، فلا یصح الاعتماد فیها علی ما لایوجب العلم بظهور الهلال إلا البینه (استفتائات روزه در سایت عربی)

۱ آیت‌الله‌العظمی فیاض

اول ماه از پنج راه ثابت می‌شود: اول آنکه خود انسان ماه را با چشم غیرمسلح ببیند یا به تواتر ثابت شود. (رساله، ص ۲۵۹)
از نظر شرعی، ماه باید با چشم غیرمسلّح دیده شود؛ یعنی در صورتی که رؤیت آن تنها به وسیله تلسکوپ، دوربین و امثال آن مقدور باشد، اول ماه ثابت نمی‌گردد. (رساله‌نموداری احکام، ص ۴۶)
س: آیا رؤیت هلال با چشمان مسلح برای اثبات اول ماه رمضان یا شوال کفایت می‌کند؟

ج: کفایت نمی‌کند. (استفتاء در رؤیت هلال)

۲ آیت‌الله‌العظمی بشیرحسین نجفی

یثبت الهلال بالعلم الحاصل من الرؤیة أو التواتر. (منهاج‌الصالحین، ص ۴۰۵)
یحجب أن یرئی الهلال بالعين المجزّده وإن توقف ذلك علی تحدید مکانه بالألة کالتناظر؛ و بدون ذلك لا ینترب الآثار الشرعیة. (استفتاء در احکام هلال)
«یحجب أن یرئی الهلال بالعين المجزّده وإن توقف ذلك علی تحدید مکانه بالألة کالتناظر ولا بأس فی تحدید موقع الهلال بالألة؛ ثم النظر إلیه بالعين المجزّده و بدون ذلك لا ینترب الآثار الشرعیة». (اعمال و احکام شهر رمضان المبارک، ص ۲۲۶)

۳ • (ب) اشتراط اتحاد افق یا عدم آن و «اخبار رسانه‌ها»

۴ امام خمینی

اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد؛ مگر آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بدانند که افق آنها یکی است. (مسئله ۱۷۳۵ رساله)

«اول ماه به تلگراف ثابت نمی‌شود؛ مگر دو شهری که از یکی به دیگری تلگراف کرده‌اند، نزدیک یا هم‌افق باشند و انسان بدانند، تلگراف از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است». (مسئله ۱۷۳۶ رساله)

۵ آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

س: آیا اتحاد افق در رؤیت هلال شرط است یا خیر؟

ج: بلی شرط است. (احیة الاستفتائات، س ۸۳۸)

«اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای شهرهای دیگر که در افق با هم متحد هستند، کفایت می‌کند. منظور از اتحاد افق، شهرهایی است که از جهت احتمال رؤیت و عدم احتمال رؤیت هلال، یکسان باشند». (رساله آموزش، ج ۱، درس ۶۵)

س: اگر ماه در کشورهای شرقی رؤیت شود، آیا برای کشورهای غربی هم خودبه‌خود ثابت می‌شود یا خیر، و حدود آن چیست؟
ج: رؤیت در بلد شرقی گرچه غالباً ملازم با امکان رؤیت به طریق اولی در بلد غربی است؛ لیکن گاهی به ملاحظه اختلاف زیاد در عرض جغرافیایی، چنین ملازمه‌ای منتفی است و معیار کلی ملازمه بین بلدین در امکان رؤیت هلال است. (احکام روزه، ص ۳۰)

۶ آیت‌الله‌العظمی خویی

اگر در شهری اول ماه ثابت شود، در شهرهای دیگر چه دور باشند چه نزدیک، چه در افق متحد باشند یا نه نیز، ثابت می‌شود؛ در صورتی که در شب مشترک باشند؛ ولو اول شب یکی آخر شب دیگری باشند. (مسئله ۱۷۴۴ رساله)

۷ آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی

اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر اینکه آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بدانند که افق آنها یکی است یا در شهری که دیده شده، آفتاب زودتر از شهر خودش غروب کند». (مسئله ۱۷۴۴ رساله)

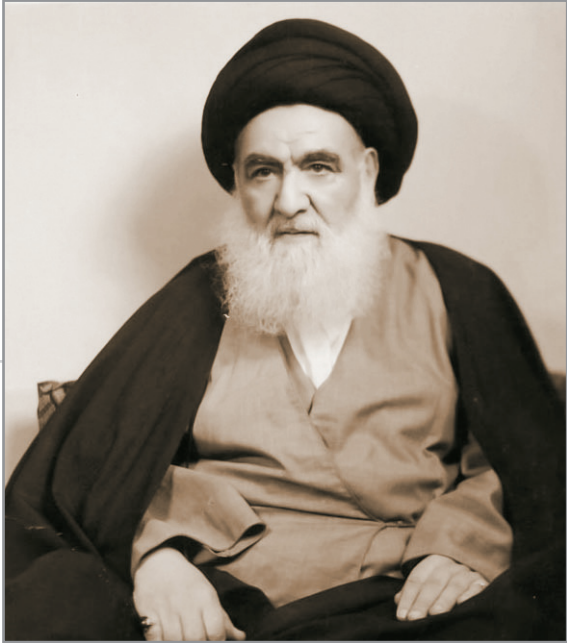
اول ماه به (تلگرام) ثابت نمی‌شود، مگر دو شهری که از یکی به دیگری (تلگرام) کرده‌اند، نزدیک یا هم‌افق باشند و انسان بدانند که (تلگرام) از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است». (مسئله ۱۷۴۵ رساله)

۸ آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد باقر صدر

إذا رؤی الهلال فی بلد أو منطقة من الأرض کفی فی الثبوت فی غیره مع اشتراکهما فی الألف عرفاً؛ بل و کذلک مع اشتراکهما فی خط الطول و بخلافه فإن ثبوت الهلال فی أئ منطقة کاف للثبوت فیما یکون علی غربها من المناطق و لا یکفی لما یکون علی شرقها إلا بعد مضمّن برهه معتد بها کعشرین ساعة أو نحوها من الزمن. (منهاج‌الصالحین، ج ۲، ص ۳۱، م ۹۵)

۹ آیت‌الله‌العظمی محمدفاضل لنکرانی

«رؤیت هلال در هر محلی واقع شود، برای محل‌های دیگر اعتبار دارد؛



قابل دیدن بود، اول ماه ثابت می‌شود. (مسئله ۲۱۲۸ رساله جامع)
نکته: از زمان قدیم، هلال نزد عرب، میقاتی بوده که با آن ماه قمری را آغاز می‌کردند و در امور مختلف زندگی خود به آن اعتماد می‌کردند. اسلام نیز همین امر را تأیید نمود؛ قرآن کریم در سوره مبارکه بقره در این باره می‌فرماید: «یسألونک عن الأهله فل هی مواقیب للناس والحجّ؛ درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است.

در حقیقت، ماه یک تقویم طبیعی برای افراد بشر محسوب می‌شود که مردم اعمّ از باسواد و بی‌سواد و در هر نقطه‌ای از جهان باشند، می‌توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند و بدیهی است، نظام زندگی اجتماعی بشر بدون تقویم –یعنی یک وسیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ– امکان‌پذیر نیست؛ به‌همین دلیل، خداوند بزرگ برای نظام زندگی، این تقویم جهانی را در اختیار همگان قرار داده است.

اصولاً یکی از امتیازات قوانین اسلام، این است که دستورات آن بر طبق مقیاس‌های طبیعی قرار داده شده است؛ زیرا مقیاس‌های طبیعی وسیله‌ای است که در اختیار همگان قرار دارد و گذشت زمان اثری بر آن نمی‌گذارد؛ اما به عکس، مقیاس‌های غیرطبیعی در اختیار همه نیست؛ به‌همین دلیل می‌بینیم اسلام، مقیاس را گاهی وجب، گاهی گام و گاهی بند انگشتان و گاهی طول قامت و در مورد تعیین وقت، غروب آفتاب و طلوع فجر و گذشتن خورشید از نصف‌النهار و دیدن ماه قرار داده است.



بدیهی است آنچه که صلاحیت میقات بودن برای مردم را آن‌هم به‌صورت عامّ دارد (آن‌چنان که در آیه شریفه آمده است)، هلال ماهی است که قابل رؤیت با چشم معمولی و غیرمسلّح باشد؛ اما هلال ماهی که تنها با دوربین و تلسکوپ، دیدن آن امکان‌پذیر است و بعد از کنار زدن آن ابزار، دیگر قابل دیدن با چشم معمولی نباشد، صلاحیت ندارد که میقات برای عموم مردم در زمان‌های مختلف قرار داده شده باشد.

همچنان‌که اگر میزان شرعی، دیدن با تلسکوپ باشد، روزه پیامبر خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام و عید فطر آنان و حجّ و سایر اعمالی که در روزهای خاصّ از سال در شرع قرار داده شده، در برخی از حالات، در ایام واقعی آن، واقع نشده باشد و روشن است که آن بزرگواران در مورد آغاز ماه قمری، بر دیدن معمولی اعتماد می‌کرده‌اند و روایات و نصوص صادره از معصومین علیهم‌السلام انصراف از دیدن با ابزارهای بزرگ‌نمایی مثل دوربین یا تلسکوپ دارد.

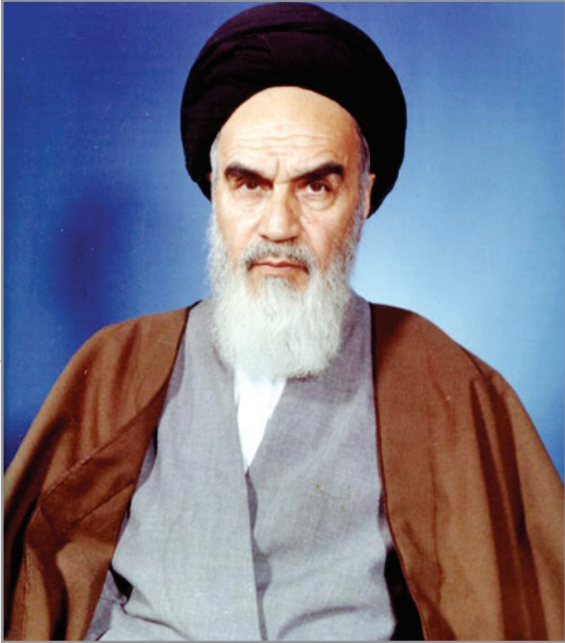
همچنان‌که اگر دژه بسیار کوچکی از خون بر روی شینی باشد که آن دژه، با چشم معمولی قابل مشاهده نبوده و فقط در زیر میکروسکوپ‌های بسیار قوی قابل مشاهده باشد را نمی‌توان معیار برای نجاست اشیاء قرار داد و حکم نمود که آن شیء نجس است؛ یا در مبحث حدّ ترخّص –که در شرط نهم از شرایط شکسته شدن نماز مسافر توضیح آن گذشت– معیار، دیدن با چشم عادی بود و هرگز نمی‌توان دیدن با دوربین یا تلسکوپ را میزان در تعیین حدّ ترخّص شهر قرار داد.

خوانندگان محترم برای آشنایی با مبانی فقهی معظم‌له در مبحث رؤیت هلال، می‌توانند به کتاب «أسئله حول رؤیة الهلال مع أجوبتها، وفق ما أفاده سماحة السید السیستانی مراجعه نمایند.

۱۰ آیت‌الله‌العظمی سید محمدسعید حکیم

هلال ماه به چند طریق ثابت می‌شود: (۱) شخصاً ماه را ببینند... (رساله، ص ۲۶۲ م. ۱۳۶۴)

س: المفهوم من الرسائل العملية للعلما علیهم‌السلام أنه لا یجوز الاعتماد علی أجهزة الرصد الفلکی فی ثبوت هلال شهر رمضان، فهل ینطبق هذا الأمر علی بقیة شهور السنة القمریة لا سیما شهر ذی الحجة؟



۱۱ الف) «رؤیت هلال با چشم عادی یا مسلّح»

۱۲ امام خمینی

اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود: اول آنکه خود انسان ماه را ببیند. (مسئله ۱۷۳۰ رساله)

«رؤیت هلال با وسایل مستحذئه اعتبار ندارد؛ پس اگر با بعضی از وسایل بزرگ‌کننده یا نزدیک‌آورنده مانند تلسکوپ مثلاً ببیند؛ ولی بدون وسیله، هلال، قابل رؤیت نباشد، حکم به اول ماه نمی‌شود. پس معیار رؤیت با چشم، بدون وسیله نزدیک‌آورنده یا بزرگ‌کننده است. البته اگر با وسیله‌ای آن را ببیند و جای آن را بداند (و ا سپس با چشم –بدون وسیله– آن را رؤیت نماید، حکم به اول ماه می‌شود». (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۴ م. ۱۸)

۱۳ آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

راه‌های ثابت شدن اول ماه: ۱. رؤیت شخص مکلف. (رساله آموزشی، ج ۱، درس ۶۵)

رؤیت با وسیله، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد؛ پس رؤیت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. بلی رؤیت تصویر هلال از طریق انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست، محل اشکال است. (رساله آموزشی، ج ۱، درس ۶۵)

۱۴ آیت‌الله‌العظمی خویی

اول ماه به چهار چیز ثابت می‌شود: اول – آن که خود انسان ماه را ببیند.

مسئله ۱۷۳۹ رساله

۱۵ آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی

اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود: اول آن‌که خود انسان ماه را ببینند... (مسئله ۱۷۳۹ رساله)

۱۶ آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد باقر صدر

یثبت الهلال بعذّه طرق: أولاً؛ العلم الحاصل من الرؤیة (منهاج‌الصالحین، ج ۲، ص ۳۰)

ثبوت الهلال بالمرصد الفلکی لیس بحیجّه و إنما لا بدّ من رؤیة العين المجزّدة الطبیعیة و کذا لو کانت العين المجزّده لشخص اعلی مستوی من البصر الطبیعی علی الأحوط. فإن لم یثبت بالعين المجزّده الطبیعیة، کان حکم إكمال العذة ساری المفعول» (منهاج‌الصالحین، ج ۲، م. ۱۲۸۷ م. ۱۰۴۰)

۱۷ آیت‌الله‌العظمی محمدفاضل لنکرانی

اول ماه به چند چیز ثابت می‌شود: اول آنکه خود انسان ماه را ببینند... (مسئله ۱۷۸۰ رساله)

«در رؤیت هلال فرقی بین چشم غیرمسلح و چشم مسلح نمی‌کند و از این جهت رؤیت با تلسکوپ هم کافی است؛ همان‌طور که با عینک، دوربین شکاری و مانند آنها کافی است». (فتاوی جدید در ۲۴ ماه مبارک رمضان ۱۴۲۵ ق)

۱۸ آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت

اول ماه به پنج طریق ثابت می‌شود: اول خود انسان ماه را ببیند... (رساله)
تذکر: برای آنچه مشهور شده که ایشان قائل به «کفایت رؤیت هلال با چشم مسلّح بوده‌اند، منبع معتبر و مستندی پیدا نشد و گردآورنده در پرسش از دفتر ایشان در قم، پاسخ گرفت که «ایشان قائل به کفایت رؤیت هلال با چشم مسلّح نبوده‌اند و استفاده از ابزار و چشم مسلّح برای یافتن جای هلال را بی‌اشکال می‌دانستند؛ ولی پس از یافتن، لازم می‌دانستند که هلال با چشم عادی هم دیده شود»

۱۹ آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی

راه‌های پنجگانه اثبات اول ماه: اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود: اول: خود انسان ماه را ببیند یا از جهتی برای انسان یقین حاصل شود. (رساله توضیح‌المسائل، ص ۳۳۸ م. ۱۷۲۴)

«از هر راهی که قابل رؤیت بودن هلال با چشم غیرمسلّح، ثابت شود، کفایت می‌کند» (احکام و استفتائات روزه، ص ۱۱۳، م. ۴۲۲)

«رؤیت هلال با چشم مسلّح کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید بتوان هلال را با چشم غیرمسلّح دید». (احکام و استفتائات روزه، ص ۱۱۴، م. ۴۲۴)

۲۰ آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی

اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود: اول آنکه خود انسان ماه را ببیند. (مسئله ۱۷۳۹ رساله)

«کفایت رؤیت با چشم مسلّح، مورد اشکال است». (استفتاء در احکام روزه)

۲۱ آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی

اول ماه به چند چیز ثابت می‌شود: (اول) آن‌که خود انسان ماه را ببیند. (مسئله ۱۷۳۸ رساله)

۲۲ آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

اول ماه از پنج طریق ثابت می‌شود: ۱. دیدن ماه با چشم؛ اما دیدن با دوربین و وسایل دیگری از این قبیل کافی نیست. (مسئله ۱۲۵۶ رساله)

۲۳ آیت‌الله‌العظمی سیستانی

اول هر ماه قمری به چهار چیز ثابت می‌شود: اول آنکه خود انسان ماه را ببیند و دیدن، باید با چشم معمولی یعنی چشم غیرمسلّح باشد؛ بنابراین چنانچه هلال ماه با چشم معمولی قابل مشاهده نباشد، دیده‌شدن آن با تلسکوپ کافی نیست.

بدیهی است استفاده از دوربین یا تلسکوپ یا وسایل و ابزار بزرگ‌نمایی و مانند آن، برای پیدا نمودن و رصد موقعیت مکانی هلال ماه در آسمان، اشکال ندارد؛ ولی باید دیدن ماه به‌گونه‌ای باشد که اگر دوربین یا تلسکوپ کنار برود، باز هم هلال ماه قابل مشاهده با چشم معمولی باشد.

و اگر مانعی مثل ابر یا غبار زیاد در آسمان است، چنانچه طوری باشد که اگر آن مانع (عارضی) در آسمان وجود نداشت، یقیناً ماه با چشم معمولی



بحث رؤیت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است

و در فقه سابقه چندانی ندارد.

از این رو، پاره‌ای از استدلال‌ها در این باره چندان قوی نیست.

مثلاً برخی از طرفداران اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح

به همین دلیل اکتفا می‌کنند که رؤیت در روایات مطلق است

و شامل رؤیت با چشم مسلح هم می‌شود!

و اگر اشکال شود که رؤیت و سع در روایات،

تعیین حد ترخص و روایات قطع تلبیه هم مطلق است،

چرا آنجا را با چشم مسلح معتبر نمی‌دانید، در پاسخ در می‌مانند.

همچنین مخالفان اعتبار رؤیت با چشم مسلح هم

به این دلیل اکتفا کرده‌اند که رؤیت منصرف به رؤیت متعارف

در زمان شارع است.

ولی دلیلی برای انصراف ذکر نکرده‌اند که می‌توان به آن اشکال کرد.

• روایات دسته اول

الف: رؤیت، نظر

• من اطلع فی بیت جاره فنظر الی عورة رجل او شعر امرة او شیء من جسدها...

• من نظر الی عورة اخیه المسلم... ادخله الله....

• حرم النظر الی شعور النساء... لما فيه من تهيج الرجال.

• ایها الناس انما النظر من الشيطان.

• النظر سهم مسموم من سهام ابليس.

• فالنظر سبب ابتاع الفعل من الزنی و غیره.

• من نظر الی الفجاء... فلیذكر الحسین و لیعلن بزید و آل زیاد.

• من قصد الی مصلوب فنظر الیه وجب علیه الغسل عقوبة.

• اذا رأى احدکم امرة تعجبه فلیات امله؛ فان عند امله مثل ما رأى.

• فاذا نظر احدکم الی امرة تعجبه فلیلمس امله.

ب: سمع، استماع

من استمع الی فضیلة من فضائله [ای امیرالمؤمنین] مغرالله له الذنوب التي اکتسبها بالاستماع...

• من سمع رجلاً ینادی «یا للمسلمین» فلم یجبه فلیس بمسلم.

• الاستماع منهن [ای المعنیات] نفاق.

• و رأیت القرآن قد نقل علی الناس استماعه و خف علی الناس استماع الباطل.

• استماع الغناء و اللهو ینت النفاق فی القلب.

• كثرة الاستماع الی الغناء یورث الفقر.

• ثلاثة یقسین القلب: استماع اللهو....

• استماع الأثران من الکبائر.

این‌ها نمونه‌های بسیار اندک از روایاتی است که در آن‌ها رؤیت و نظر یا

سمع و استماع موضوع حکمی قرار گرفته یا اثری بر آن‌ها بار شده است.

رؤیت و سمع در همه این روایات مطلق است و شامل انواع و اقسام آن‌ها

می‌شود. چه رؤیت و سمع عادی و بدون ابزار که در زمان صدور روایات

رایج بوده است. و چه رؤیت با انواع ابزارها مانند دوربین و تلسکوپ، یا

سمع و شنیدن از انواع ابزارهای امروزی مانند؛ بلندگو، تلفن، بی‌سیم، ضبط

صورت، رادیو و تلویزیون. بنابراین هیچ طلبه‌ای فضلاً از فقیه از این روایات

چنین نمی‌فهمد که مثلاً شنیدن غنا مستقیماً و بدون ابزار حرام و از رادیو یا

تلویزیون حلال است یا فضیلتی که شنیدن فضایل مولا امیرالمؤمنین بدون

ابزار دارد با شنیدن از ابزار منتفی است. همچنین موارد دیگری که نقل شد

مانند استماع غنا، سماع استغاثه مسلمان، نظر به نامحرم، نظر به مصلوب.

به هیچ‌وجه نمی‌توان مدعی شد که رؤیت و سمع در این روایات منصرف

است به رؤیت و سمع متعارف در زمان صدور یا فقط همان نوع را به ذهن

متبادر می‌کند.

اما روایات دسته دوم برخلاف این روایات از این لحاظ مطلق نیستند که

پس از نقل نمونه‌هایی به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

• روایات دسته دوم

اذا کنت فی الموضع الذی تسمع فیهِ الاذان فاتم، و اذا کنت فی الموضع

الذی لا تسمع فیهِ الاذان فقصر.

اذا سمع الاذان اتم المسافر.

الرجل یرید السفر، متی یقصر؟ قال: اذا توارى من البیوت.

ألیس قد بلغوا الموضع الذی لا یسمعون فیهِ اذان مصرهم الذی خرجوا

منه؟

در این روایات که درباره حد ترخص وارد شده‌اند، مسلماً سمع و شنیدن

اذان بدون ابزار و متناسب با وضع زمان صدور مراد است و هرگز شنیدن از

بلندگو، یا تلفن و بی‌سیم یا رادیو را شامل نمی‌شود.

همچنین توارى یعنی توارى متعارف در زمان صدور و نه با استفاده از

دوربین و تلسکوپ و مانند آن‌ها.

اذا دخلت مكة و انت متمتع فنظرت ای بیوت مكة فاطقع التلبیه.

المتمتع اذا نظر الی بیوت مكة قطع التلبیه.

سل عن المتمتع متی یقطع التلبیه؟ قال: «اذا نظر الی عراش مكة، عقبة

ذی طوی»

قلت: بیوت مكة؟ قال: نعم.

اذا رأیت ابیات مكة فاطقع التلبیه.

سألته عن تلبیه المتمتع متی یقطعها؟ قال: اذا رأیت بیوت مكة.

اذا رأیت بیوت ذی طوی فاطقع التلبیه

در این احادیث که درباره قطع تلبیه هنگام رؤیت خانه‌های مکه‌اند، رؤیت

و نظر موضوع حکمی قرار گرفته است و مسلماً نظر و رؤیت به طرق عادی و

چشم غیرمسلح مراد است و قطعاً چنین نیست که اگر محرم مثلاً از چند

فرسخی مکه با دوربین یا تلسکوپ خانه‌های مکه را دید، قطع تلبیه لازم باشد.

سألته عن الدود یقع من الکثیف علی الثوب، أیصلی فیهِ؟ قال: لا بأس الا

أن ترى اثرأ فتغسله.

السیف بمنزلة الرءاء تصلی فیهِ ما لم تر فیهِ دمأ.

کل شیء من الطیر یتوضأ مما یشرب منه الا أن ترى فی منقاره دمأ فان رأیت

فی منقاره دمأ فلا یتوضأ منه و لا تشرب.

سألته عن الفأرة و الدجاجة و الحمام و اشباهها تطأ الغذرة ثم تطأ الثوب،

أیغسل؟

قال: إن كان استبان من اثره شیء فاغسله و الا فلا بأس.

سألته عن رجل رغب فامتخط فصار بعض ذلك الدم فطراً أصغراً فأصاب

إنائه، هل یصلح الوضوء منه؟ فقال: إن لم یکن شیئاً یستبین فی الماء فلا

بأس و إن كان شیئاً بیناً فلا یتوضأ منه.

در این پنج روایت نیز مسلماً منظور از تری، رأیت، استبان و یستبین، دیدن

اثر نجس با چشم غیرمسلح و رؤیت متعارف زمان صدور منظور است نه

رؤیت با میکروسکوپ؛ و هیچ فقهی فتوا نمی‌دهد که در چنین مواردی اگر

اثر نجس روی لباس با چشم متعارف دیده نشد ولی با میکروسکوپ دیده

شد، آن لباس باید تطهیر شود.

به عبارت دیگر، رؤیت و سمع در روایات دسته دوم به هیچ‌وجه مطلق

نیست و شامل همه افراد آن‌ها نمی‌شود، برخلاف روایات دسته اول.

اکنون باید این موضوع را تحلیل و تبیین کرد که چرا روایات دسته اول

مطلق است برخلاف دسته دوم؟

روشن است که صرف ادعای انصراف در دسته دوم و عدم آن در دسته

اول یا ادعای تناسب حکم و موضوع به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند.

ما در اینجا به تبیین و تحلیل منطقی این روایات می‌پردازیم و سپس

روایات رؤیت هلال را بررسی می‌کنیم که، آیا از دسته اولند یا دوم؟

با دقت در مفاد این دو دسته معلوم می‌شود که دسته دوم در مقام تحدید

و مشخص کردن اندازه یا مقدار و مسافت و مرتبه خاصی از چیزی است و

خود حسن یعنی سمع و رؤیت موضوعیتی ندارد بلکه به عنوان مقیاس و ابزار

سنجش از آن استفاده شده است.

مثلاً از دیدن خانه‌های مکه در وجوب قطع تلبیه یا شنیدن صدای اذان و

دیدن دیوارهای شهر در حد ترخص به عنوان ابزار اندازه‌گیری استفاده شده

است. در حقیقت دیدن یا شنیدن در این مورد تنها علامتی برای سنجش

یک فاصله طولی مشخص است.

همچنین در روایات دیدن اثر نجس: تری اثرأ فتغسله، تری دمأ و استبان

من اثره شیء، مراد مطلق رؤیت یا مطلق استبان نجس نیست، بلکه مراد

اندازه خاص و وضع و مقدار خاصی از انتقال اثر نجس است که اگر با چشم

متعارف و عادی قابل رؤیت باشد، تطهیر لباس واجب است و الا نه، و

رؤیت موضوعیتی ندارد بلکه ابزاری برای سنجش خاصی است.

به عبارت دیگر در دسته دوم روایت، سمع و مانند آن‌ها در مقام تحدید

و طریق است برای اثبات چیزی دیگر مانند مسافتی خاص یا کیفیتی

خاص؛ و به تعبیر فنی طریقت دارد نه موضوعیت. از این رو هیچ ابزار و

وسيله دیگری مانند دوربین، تلسکوپ، بلندگو و میکروسکوپ جایگزین

آن نمی‌شود؛ چون لازمه و خاصیت تحدید، مشخص و معین بودن است و

اگر بنا شد در تشخیص حد ترخص، مثلاً هم رؤیت عادی معتبر باشد هم

رؤیت با چشم مسلح، معنایش مشخص نبودن مسافت و مقدار حد ترخص

است که منافی با غرض شارع است و معنی ندارد شارع چیزی را معیار

تخصیص حد ترخص قرار دهد که طبق یک فرد از آن معیار حد ترخص مثلاً

یک فرسخ و طبق یک فرد دیگر از آن معیار مثلاً سه فرسخ باشد.

در موارد مذکور از رؤیت و سمع به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری

استفاده شده است و درست به همین دلیل هیچ چیز جایگزین آن نمی‌شود؛

نه‌تنها چشم مسلح و شنیدن با ابزار، بلکه حتی سمع و نظر خارق‌العاده

خلاف متعارف؛ هرچند بدون ابزار نیز جانشین سمع و بصر متعارف



چشم مسلح و رؤیت هلال

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری

در احادیث، احکام و آثاری بر موضوعاتی چون رؤیت، نظر، استماع و مانند این‌ها مترتب شده است. این روایات از یک لحاظ به دو دسته تقسیم می‌شوند اما ابتدا نمونه‌هایی اندک از این دو دسته روایات را نقل و سپس آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

نمی‌شود همچنان‌که صاحب عروه فرموده و

هیچ یک از محشین عروه بر آن حاشیه زنده‌اند:

المدار فی عین الرائی و إذن السامع

علی المتوسط فی الرؤیة و السماع... فغیر

المتوسط یرجع الیه كما أن الصوت الخارق

فی العلو یرد الی المعتاد المتوسط.

علاوه بر سمع و بصر، هرگاه عضو دیگری

نیز وسیله‌ای برای سنجش باشد، هرگز مطلق

آن مراد نیست و الا نقض غرض و برخلاف

در مقام تحدید بودن است. مثلاً در بیان حد

کر چند شیر معمولی و متعارف مراد است و

هیچ فقهی تفرقه نکرده است که شیر در روایت

مطلق است و شامل همه انواع آن می‌شود چه

شیر خردسال چه بزرگسال، چه بسیار کوچک و

چه به‌طور خارق‌العاده بزرگ و همین‌طور موارد

مشابه دیگر مانند حد شستن صورت در وضو.

با توجه به این نکته، سمع و رؤیت و مانند

آن در دسته دوم طریقت دارند یعنی طریق و

وسيله برای سنجش مقدار خاصی هستند. از

این‌رو همان سمع و رؤیت متعارف زمان صدور

روایت مورد نظر است و این دسته به‌هیچ‌وجه

مطلق نیستند که شامل هر نوع سمع و بصری

باشوند.

برخلاف روایات دسته اول، که رؤیت،

سمع، نظر و استماع در آن‌ها در مقام تحدید

چیز دیگری نیست و طریقت ندارد بلکه

موضوعیت دارد و به مقتضای صنعت فقهی

مطلق است. مثلاً نظر به نامحرم چه با دوربین

و تلسکوپ و چه با چشم عادی حرام است و از

سوی دیگر شنیدن فضائل امیرالمؤمنین چه از

ابزار مثل رادیو، تلویزیون، تلفن، بی‌سیم، بلندگو

و چه بدون این‌ها، همه استماع است و مطابق

روایت مذکور فضیلت دارد. نیز در موارد دیگر

مانند؛ من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین و

شنیدن غنا و لهُو فرقی بین شنیدن از ابزار مثل

رادیو و شنیدن بی‌ابزار نیست چون در همه این

موارد، خود شنیدن و دیدن موضوعیت دارد و

طریق برای چیز دیگری نیست؛ لذا چیز دیگری

غیر از شنیدن و دیدن جانشین آن نمی‌شود؛

برخلاف روایات دسته دوم که طریقت دارند و

چون طریقت دارند از هر راهی که مقدار مورد

نظر آن روایات احراز شود، حکم مترتب می‌شود

هر چند سمع و نظری در کار نباشد.

• رؤیت در روایات رؤیت هلال

اکنون به رؤیت هلال می‌پردازیم و آن را از این

جهت بررسی می‌کنیم:

۱. هر چند موضوع احکام شرعی مثل روزه

ماه مبارک رمضان است، ولی شارع معیار شروع

و پایان ماه را اهله و رؤیت آن‌ها دانسته است؛

بنابراین مسلماً شروع و آغاز ماه قمری با صرف

خروج ماه از تحت الشعاع و محاق محقق

نمی‌شود، بلکه باید قدری از خروج ماه از محاق

بگذرد که قابل رؤیت باشد. از این‌رو ملاک آغاز

ماه‌های قمری رؤیت هلال است. دلیل این

مدعا به‌طور مشروح در جلد دوم و چهارم رؤیت

هلال آمده است.

۲. چنان‌که بسیاری از فقیهان بر این باورند

حق آن است که رؤیت هلال طریقت دارد نه

موضوعیت؛ یعنی از آنجا که نشانه‌ها و علام

دیگر در شرع مقدس جایگزین رؤیت می‌شوند،

هرچند بالفعل رؤیت محقق نشده باشد،

می‌فهمیم که رؤیت موضوعیت ندارد. مثلاً با

گذشت سی روز از ماه قبل حکم به حلول ماه

جدید می‌کنیم و لو بالفعل رؤیت محقق نشود

یا کسی استهلال نکند یا بر اثر وجود مانعی

هلال رؤیت نشود؛ نیز اگر هلال در شرق رؤیت

شود، اول ماه برای نقطه غربی هم‌عرض آن هم

ثابت می‌شود هر چند هلال در آن رؤیت نشود.

دلایل متعدد طریقت به این معنی در جلد دوم

و چهارم رؤیت هلال به‌طور مشروح آمده و در

اینجا به آن‌ها نمی‌پردازیم.

۳. وقتی رؤیت طریقت داشته باشد نه

موضوعیت، رؤیت تقدیری یا امکان رؤیت نیز

مثبت حلول ماه جدید خواهد بود. بدین معنی

که هرگاه قمر در وضعی باشد که اگر مانعی در

آسمان نباشد و مردم استهلال کنند هلال دیده

می‌شود، همین اندازه برای اثبات اول ماه کافی

است. بنابراین اگر بر اساس محاسبه قطعی به

اتفاق کارشناسان و اهل خبره، ماه در موقعیتی

باشد که لو لا المانع لرأی، هرچند دیده نشود،

اول ماه ثابت می‌شود. به عبارت دیگر چنان‌که

گذشت، صرف خروج ماه از محاق مثبت حلول

ماه جدید نیست، بلکه ماه باید به درجه و حدی

برسد که قابل رؤیت باشد و این قابلیت رؤیت یا

امکان رؤیت پس از خروج ماه از محاق هنوز به

ماه ملاک حلول ماه جدید است.

بنابراین از هر طریق و وسیله و ابزاری که یقین

یا اطمینان حاصل شد که ماه قابل رؤیت است،

مانند سخن منجمان و هیویان، اول ماه ثابت

می‌شود هرچند ماه بر اثر موانعی رؤیت نشود،

یا کسی استهلال نکرده باشد. ادله این سخن را

در باب سوم، اعتبار قول هیوی در رؤیت هلال،

آورده‌ام و اقوال دیگران در این موضوع را نیز در

جلد دوم و چهارم رؤیت هلال نقل کرده‌ام.

۴. در بسیاری از ماه‌های قمری وضع ماه



ادامه از صفحه قبل

۵ ه‍. موضوع بحث ما در این مقال، صورتی است که هلال با چشم غیرمسلح به هیچ‌وجه قابل رؤیت نباشد هرچند هیچ مانعی مانند ابر و بخار وجود نداشته باشد. بنابراین اگر هلال به حدی برسد که لو لالمانع، با چشم عادی رؤیت شود، ولی بر اثر مانع فقط با تلسکوپ قابل رؤیت باشد، در اینجا مسلماً رؤیت با تلسکوپ معتبر است.

در این فرض حتی اگر با تلسکوپ هم قابل رؤیت نباشد، ولی محاسبات علمی نشان دهد که ماه با چشم غیرمسلح رؤیت‌پذیر و قابل رؤیت است، همین کافی و معتبر است و با آن حلول ماه نو ثابت می‌شود؛ چه‌بسا برخی از کسانی که رؤیت با تلسکوپ را معتبر می‌دانند مقصودشان همین صورت باشد.

۶ ه‍. با توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که اول ماه قمری وقتی است که ماه پس از خروج از محاق، در مدار خود به درجه‌ای برسد که با چشم غیرمسلح قابل رؤیت باشد و این درجه و به عبارت

دیگر قابلیتِ رویه یا امکان رویه با چشم غیرمسلح موضوع حکم است و شارع مقدس وصول قمر به این درجه را نشانه آغاز ماه قمری دانسته است. این نکته‌ای است که بسیاری از جمله مرحوم آیت‌الله خوئی به آن تصریح کرده‌اند.

۷ ه‍. بنا بر آنچه گذشت، مسلماً شارع مقدس که حلول ماه را منوط به رؤیت کرده، در مقام تحدید است؛ یعنی از رؤیت به عنوان ابزاری برای رسیدن قمر به حد خاصی استفاده کرده است و گرنه رؤیت موضوعیتی ندارد؛ درست مانند رؤیت دیوارهای شهر در حد ترخص که به‌هیچ روی موضوعیت ندارد و برای سنجش مقدار خاصی از مسافت از آن استفاده شده است.

۸ ه‍. با این مقدمات روشن شد که روایات رؤیت هلال از روایات دسته دوم، آغاز این مقاله محسوب می‌شوند و همان‌طور که در آن موارد از جمله تشخیص حد ترخص، استفاده از ابزاری مثل دوربین و تلسکوپ به‌هیچ‌وجه معتبر نیست، در رؤیت هلال نیز چنین است؛ چون از این جهت یعنی به لحاظ در مقام تحدید بودن هیچ فرقی بین آن‌ها نیست.

۹ ه‍. چنان‌که گذشت، از بررسی مجموع موارد مذکور، این مناط کلی به دست می‌آید که اگر استفاده از یک حس مانند رؤیت، سمع جنبه ابزاری داشته باشد، تحولات فناوری و توسعه در آن به عنوان ابزار و طریق شرعی پذیرفته نیست و استفاده از این ابزار، با “در مقام تحدید بودن” سازگاری ندارد و چون رؤیت هلال نیز راهی برای علم به رؤیت‌پذیری هلال است و خود موضوعیتی ندارد، بنابراین رؤیت با چشم مسلح معتبر نیست و نمی‌تواند دلیل شروع ماه قمری باشد.

۱۰ ه‍. عمده دلیل عدم اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح همین است که گذشت. برای توضیح بیشتر و تقریب به ذهن به عنوان تمثیل می‌گوییم: برای ثبوت اول ماه، رؤیت هلال و برای تشخیص حد ترخص، رؤیت دیوارهای شهر معیار است و واقع امر در هر دو مورد خالی از این چهار فرض نیست:

– فقط رؤیت با چشم غیرمسلح موضوع حکم و معتبر است (و هو المطلوب والمختار)؛

– هم رؤیت با چشم غیرمسلح موضوع حکم و معتبر است هم با چشم مسلح؛

– فقط رؤیت با چشم مسلح موضوع حکم و معتبر است.

– تا قبل از اختراع و ساختن دوربین و تلسکوپ موضوع حکم و معتبر فقط رؤیت با چشم غیرمسلح و پس از آن تنها رؤیت با چشم مسلح است.

روشن است که فرض مقبول فقط صورت اول است و فرض‌های بعدی ممنوع است؛ زیرا:

فرض دوم لازم‌اش آن است که حد ترخص، هم مثلاً یک فرسخ باشد و هم سه فرسخ. و نیز بسیاری از ماه‌ها هم مثلاً روز شنبه اول ماه باشد چون روز جمعه فقط با تلسکوپ قابل رؤیت است و هم روز یک‌شنبه چون فقط روز شنبه با چشم غیرمسلح قابل رؤیت است؛ به عبارت دیگر لازم‌اش آن است که در طول بیش از هزار سال که از ابزار برای رؤیت استفاده نمی‌شد، در تمام موارد مشابه روز یک‌شنبه مثلاً و پس از استفاده از ابزار در عین همان فرض روز شنبه اول ماه باشد.

بدیهی است که لازمه این فرض لغویت تحدید مذکور و مستلزم تنافی

است چون مستلزم آن است که هم حد ترخص یک فرسخ باشد هم سه

فرسخ و هم اول ماه وقتی است که مثلاً ۱۸ ساعت از خروج قمر از محاق گذشته باشد.

فرض سوم هم که بدیهی البطلان است؛ زیرا لازم‌اش آن است که شارع مقدس چیزی را ملاک و معیار قرار داده است که تا بیش از هزار سال از دسترس مکلفین خارج بوده است و با جعل چنین معیاری مردم در بسیاری از ماه‌ها برخلاف واقع عمل کرده‌اند آن هم بر اثر فعل شارع!

فرض چهارم نیز، همان تالی فاسد فرض دوم را دارد که احدی به آن ملتزم نمی‌شود.

بنابراین با توجه به اینکه شارع مقدس معیاری را برای حلول ماه برای مردم قرار داده که از همان آغاز در دسترس مردم بوده است، برخلاف محاسبات

حرکات خورشید که فقط اهل فل از آن مطلع بوده‌اند و این نکته از آیه شریفه یستلونک عن الالهة و گفتار مفسران در ذیل آن استفاده می‌شود، باید جازم شد که همان رؤیتی که در زمان شارع مقدس برای مردم قابل دستیابی بوده، معتبر و موضوع حکم است، آن‌هم نه به دلیل انصراف رؤیت به رؤیت متعارف آن زمان و نه تبادر آن نوع رؤیت به ذهن که برخی از فقیهان به آن تمسک کرده‌اند؛ زیرا در روایات دسته اول هم طیق این منبا باید به آن قائل شد با اینکه اساساً قابل التزام نیست بلکه به دلیلی که گذشت یعنی در مقام تحدید بودن روایات رؤیت هلال و موضوعیت نداشتن آن برخلاف روایات دسته اول.

عمده دلیل ما بر عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح همین است ولی می‌توان مؤیدات و شواهدی نیز بر آن افزود که هر چند دلیل مستقل محسوب نمی‌شود، اما برای تثبیت مدعا یا ایجاد شک در اعتبار چشم مسلح مؤثرند:

الف) لازمه معتبر بودن رؤیت با چشم مسلح آن است که شارع مقدس بیش از هزار سال مردم را به اشتباه افکنده باشد که البته قابل التزام نیست؛ یعنی در بسیاری از ماه‌های سال در واقع شارع حدی را مصلک شروع ماه قرار داده است که این حد تا پس از بیش از هزار سال قابل دسترسی نبوده است و مردم یک روز پس از آن را اول ماه می‌دانسته‌اند و عید فطر و شب قدر و عرفه و عید قربان را به خلاف واقع یک روز دیرتر می‌دانسته‌اند آن‌هم نه بر اثر تقصیر مکلفین، بلکه بر اثر فعل و جعل شارع و اگر رؤیت با تلسکوپ‌های قوی غول‌پیکر ۸۵۰ تنی معیار باشد، هنوز هم در اختیار مسلمانان نیست.

به عبارت دیگر تکلیف شارع بر مخاطبان و یا مکلفان باید قابل عمل باشد؛ بنابراین اگر رؤیت با چشم مسلح معیار باشد، بدین معناست که شارع مقدس دستوری داده که در بسیاری از ماه‌ها تا قرن‌ها برای مکلفین قابل عمل نبوده است؛ زیرا اگر ملاک رؤیت با چشم مسلح باشد، مثلاً روز شنبه عید فطر بوده است درحالی‌که مسلمانان طبق رؤیت بدون ابزار روز یکشنبه را عید گرفته‌اند و تکلیف واقعی شارع مبنی بر شنبه بودن عید فطر برای آنان قابل عمل نبوده است و معقول نیست شارع دستوری بدهد که برای مکلفان مثلاً تا ده قرن عملی نباشد.

ب) شارع رؤیت هلال را موضوع حکم قرار داده است و اطلاق هلال بر هلال واقعی غیرقابل رؤیت با چشم غیرمسلح یعنی غیرقابل رؤیت در عصر شارع، استعمال لفظ در غیر معنای آن است؛ زیرا هلال مشتق از هل است به معنی بدا و ظهر یا به معنی صرخ، و چون مردم هنگام رؤیت آن صدای خود را به فریاد و تکبیر بلند می‌کردند به آن هلال گفته‌اند و از همین باب است اسهل الصبی؛ یعنی هنگام ولادت، کودک گریه و سر و صدا کرد.

ج) قول به اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح با مشکل بزرگ‌تری مواجه است و آن اینکه قدرت دوربین‌ها و تلسکوپ‌ها یکسان نیست. آیا معیار مثلاً تلسکوپ‌های موجود در ایران است یا مطلق تلسکوپ مراد است هر چند بسیار پرقدرت و پیشرفته باشد مانند هابل و هیلد در آمریکا؟ به عقیده کارشناسان چه بسا هلال با تلسکوپ‌های معمولی موجود در ایران قابل رؤیت نباشد اما در همان حال با تلسکوپ هیل قابل رؤیت است و ممکن است در آینده تلسکوپ قوی‌تری نیز ساخته شود. در این صورت در برخی مواقع و در برخی از آفاق اگر رؤیت با هیل را معتبر بدانیم، ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر فقط رؤیت با تلسکوپ‌های معمولی معتبر باشد نه، خود همین ضابطه‌مند نبودن و به‌هم‌ریختگی معیار که قطعاً مخالف در مقام تحدید بودن شارع است، یکی از شواهد ضعف این قول است.

• **چند نکته**

۱۰ ه‍. بر فرض که این ادله مدعی‌ای ما را به‌طور قطع ثابت نکند، لااقل در اعتبار رؤیت با چشم مسلح تشکیک ایجاد می‌کند و حداقل شک می‌کنیم آیا رؤیت با چشم مسلح معتبر است یا نه و با شک در اعتبار، به عدم اعتبار حکم می‌کنیم. نیز در روایات وارد شده است که یوم الشک آخر ماه مبارک را روزه بگیرید و ماه را سی روز کامل کنید.

۲ ه‍. در صورتی که از ادله چیزی استفاده نشود و اعتبار رؤیت با چشم مسلح مشکوک باشد، استصحاب موضوعی بقای ماه و استصحاب حکمی وجوب صوم جاری است.

۳ ه‍. عدم اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح به معنای عدم استفاده از پیشرفت‌های علمی و بی‌تأثیر بودن و استفاده نکردن از ابزار و فناوری جدید در رؤیت هلال نیست، بلکه این ابزار کارایی‌های بسیاری در این مسئله دارند که چون در باب سوم همین مقدمه: اعتبار قول هیوی در رؤیت هلال و در جلد دوم و چهارم رؤیت هلال موارد کارآیی آن‌ها را آورده‌ام، از ذکر آن‌ها در اینجا چشم می‌پوشم.

۴ ه‍. اختلاف در مساله رؤیت هلال با چشم مسلح اختصاصی به مسلک مشهور فقها یعنی لزوم اشتراک و اتحاد آفاق ندارد بلکه بر مبنای مرحوم آیت‌الله خوئی و عده‌ای دیگر نیز مبتنی بر عدم لزوم اتحاد آفاق ساری و جاری است.

۵ ه‍. بحث رؤیت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است و در فقه سابقه چندانی ندارد. از این رو، پاره‌ای از استدلال‌ها در این‌باره چندان قوی نیست. مثلاً برخی از طرفداران اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح به همین دلیل اکتفا می‌کنند که رؤیت در روایات مطلق است و شامل رؤیت با چشم مسلح هم می‌شود؛ و اگر اشکال شود که رؤیت و سمع در روایات، تعیین حد ترخص و روایات قطع تلبیه هم مطلق است، چرا آنجا را با چشم مسلح معتبر نمی‌دانید، در پاسخ در این‌جا می‌مانند. همچنین مخالفان اعتبار رؤیت با چشم مسلح هم به این دلیل اکتفا کرده‌اند که رؤیت منصرف از رؤیت متعارف در زمان شارع است. ولی دلیلی برای انصراف ذکر نکرده‌اند که می‌توان به آن اشکال کرد که چرا در روایات دسته اول مانند نظر به نامرحم قائل به انصراف نمی‌شوید؟

۶ ه‍. قول مشهور فقیهان عصر ما عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح است که از جمله این فقیهان، حضرات آیات امام خمینی، خوئی، شهید سید محمدباقر صدر و شهید سید محمد صدر ^{رحمتهما} هستند.

آیت‌الله خوئی ^{رحمته} می‌گویند:

لا عبرة بالرؤية بالعین المسلحة... نعم لا بأس بتعيين المحل بها ثم النظر بالعین المجردة، فإذا كان قابلاً للرؤية و لو بالاستعانة من تلک الآلات فی تحقیق المقدمات، فقی وثبت به الهلال كما هو واضح.

حضرت امام خمینی ^{رحمته} نیز می‌نویسند:

لا اعتبار برؤية الهلال بالآلات المستحدثة، فلو رأى ببعض الآلات المكبرة او المقربة نحو التلسكوب مثلاً ولم یکن الهلال قابلاً للرؤية بلا آلة، لم یحکم بأول الشهر، فالمیزان هو الرؤية بالبصر من دون آلة مقربة او مكبرة. نعم لو رأى بألة و علم محله ثم رأى بالبصر بلا آلة، یحکم بأول الشهر.

۷ ه‍. ممکن است مراد برخی از کسانی که رؤیت با چشم مسلح را معتبر می‌دانند در صورتی باشد که قمر در مدار خود به درجه‌ای رسیده باشد که با چشم غیرمسلح قابل رؤیت است، ولی بر اثر موانعی مثل بخار و ابر فقط با تلسکوپ دیده می‌شود نه با چشم عادی. بنابراین آن‌ها با کسانی که رؤیت با ابزار را معتبر نمی‌دانند اختلافی نخواهند داشت؛ زیرا در این صورت حتی اگر با تلسکوپ هم رؤیت نشود ولی محاسبات قطعی فلکی، رؤیت‌پذیر بودن آن را اثبات کند کافی است.

۸ ه‍. شاید برخی بیندازند که معتبر دانستن رؤیت هلال با چشم مسلح، سبب تسهیل در اثبات رؤیت هلال و مانع بروز اختلاف می‌شود، در حالی که ابدأ چنین نیست زیرا به عقیده کارشناسان، رؤیت با استفاده از ابزار یا بدون بهره‌مندی از آن، همواره یک نتیجه مشترک هم دارد و آن این است که در هر دو مورد مشکل هلال‌های بحرانی همچنان پابرجاست با این تفاوت که هلال‌های بحرانی با چشم مسلح، کم‌سن‌تر و با چشم غیرمسلح، مسن‌تر هستند. مفهوم این مطلب آن است که دیده شدن یا نشدن هلال‌های بحرانی همچنان موجب اختلاف خواهد شد...

• **منبع:**

رؤیت هلال، ج ۱، رضا مختاری و... باب چهارم: چشم مسلح و رؤیت هلال. صص ۹۵–۱۱۲



تعداد گروه‌ها از این هم بیشتر بود؛ ولی ستاد تصمیم گرفت، از گروه‌هایی که سوابق و تجربه‌های بهتر و بیشتری دارند، استفاده کند؛ چون بعضی مواقع تا دو‌یست گروه هم اقدام می‌کردند. داشتن صد گروه که با کیفیت خوب، کفایت می‌کند؛ چون با پراکندگی که در کشور دارند، شانس رؤیت بالا می‌رود. قاعده هم این است که در همه ماه‌ها استهلال انجام می‌گیرد و شاید بعضی از مردم ندانند که این کار انجام می‌شود؛ چون خبر استهلال فقط در ماه رمضان و شؤال گفته می‌شود و مردم فکر می‌کنند که فقط در این دو ماه این کار انجام می‌گیرد؛ درحالی‌که برای همه ماه‌های قمری استهلال انجام می‌گیرد. نتایج آن هم در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب در بخش مباحث شرعی و استهلال می‌آید. در بعضی مواقع هم، همان شبی که استهلال انجام می‌شود، گزارشش روی سایت قرار می‌گیرد. گزارش‌ها هم برای همه ماه‌ها کاملاً قابل دسترسی است؛ ولی ماه رمضان و شؤال به‌لحاظ واجب بودن روزه در ماه رمضان و حرام بودن روزه در عید فطر، حساسیت بیشتری دارند و مردم هم پیگیر آن هستند.

• **فرآیند و ترکیب گروه‌های ستاد استهلال به چه صورت است؟ افراد به احکام شرعی و مباحث نجومی تسلط دارند، یا صرفاً رؤیت انجام و جمع‌بندی می‌شود؟**

• **ما الحمدلله در گروه‌ها افرادی داریم که هم اطلاعات نجومی و هم اطلاعات فقهی لازم را دارند. در بعضی از گروه‌ها هم افرادی هستند که اطلاعات نجومی دارند؛ ولی به آن معنا اطلاعات فقهی دقیقی ندارند یا بعضی از افراد هم اطلاعات فقهی و دینی خوبی دارند؛ ولی اطلاعات نجومی ندارند.** گروه‌های مرتبط با ستاد استهلال، پنج‌نفره هستند.

• **گروه‌ها از چه ابزاری برای استهلال ماه استفاده می‌کنند؟**

• **همه گروه‌ها حداقل دارای دوربین دوچشمی هستند. به قول مردم، دوربین‌های دوچشمی همان دوربین‌های شکاری ساده‌ای است که روی دست گرفته می‌شود.**

بعضی از دوربین‌ها هم قوی‌تر و سنگین‌وزن‌ترند که روی سه پایه قرار می‌گیرند. تقریباً طبق آمار، حدود نیمی از گروه‌ها از تلسکوپ استفاده می‌کنند؛ البته استفاده از تلسکوپ، اطلاعات و توانمندی‌های بیشتری می‌خواهد.

• **کیفیت جمع‌بندی گزارش‌های رؤیت هلال به چه شکل است؟**

ما دو نوع ارائه و ارسال گزارش داریم؛ یک‌نوع به‌صورت



محاسبات نجومی در خدمت استهلال

گفت‌وگو با رئیس کمیته علمی ستاد استهلال درباره رویه‌های استهلال ماه‌های قمری

به‌خاطر اهمیت ماه مبارک رمضان، یکی از موضوعات مهم، تشخیص و اعلام روز اول ماه مبارک رمضان و همین‌طور روز اول ماه شوال یا عید سعید فطر است. بر همین اساس، ستاد استهلال دفتر رهبر معظم انقلاب وظیفه دارد تا با بهره‌گیری از ۱۰۰ تیم خیره و متخصص، گزارشات دقیق خود از رؤیت هلال ماه‌های قمری را برای رهبر انقلاب ارسال کنند. رهبر انقلاب نیز پس از مطالعه دقیق گزارش‌ها و نظرات تخصصی این تیم‌ها، نظر خود را اعلام می‌کنند. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، در این‌باره گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا موحدنژاد عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف و رئیس کمیته علمی ستاد استهلال دفتر مقام معظم رهبری انجام داده است که با هم می‌خوانیم.

• **ستاد استهلال از چه سالی آغاز به‌کار کرد؟**

• تقریباً از همان اوایی که رهبر انقلاب بعد از امام امت، به‌عنوان رهبر تعیین شدند، ستاد استهلال شکل گرفت. بنده هم تقریباً از سال ۸۲ در جریان کارهای ستاد استهلال قرار گرفتم و از قبل آن اطلاعی ندا‏م؛ اما از سال ۸۲، رهبر

رویدادهای مربوط به رؤیت هلال، در طول تاریخ، هم آموزنده و مایه عبرت و اندرز و گاهی تلخ است و هم تسکین‌دهنده و آرامش‌بخش؛ از این رو می‌بینیم، مشابه آنچه در روزگار ما اتفاق می‌افتد، در عهد پیشینیان رخ داده است. به هر حال مواردی از این رویدادها را حتی الامکان به‌ترتیب تاریخی یا به‌تناسب موضوع در این مقاله نقل می‌کنیم:

● ۱. شیخ طوسی ^{رحمته} در تهذیب نقل کرده است که در دوران حکومت امیرالمؤمنین ^{علیه}، مردم پس از بیست و هشت روز روزه، هلال عید فطر را مشاهده کردند. امام ^{علیه} به منادی دستور داد به مردم اعلام کند که ماه رمضان ۲۹ روزه است و یک روز روزه قضا بگیرند.

ظاهراً در آن سال اول ماه رمضان، هوا ابری بوده و ماه دیده نشده است؛ از این رو مردم، ماه شعبان را کامل و سی روزه حساب کرده‌اند و در پایان ماه رمضان با رؤیت هلال در شب ۲۹ معلوم شده است که ماه شعبان نیز ۲۹ روز بوده و مردم یک روز از آغاز آن را روزه نگرفته‌اند. از این رو حضرت امیر ^{علیه} دستور دادند یک روز روزه قضا شود.

این ماجرا را ابوریحان بیرونی ^{رحمته} نیز از کتاب‌های زیدیه نقل کرده است.

● ۲. میرزای قمی ^{رحمته} نیز در غنائم گوید که مکرراً در زمان ما اتفاق افتاد که مردم ۲۸ روز روزه و روز ۲۹ را عید گرفتند. چند سال پیش در ایران نیز مردم ۲۸ روز روزه گرفتند. مرحوم کلینی ^{رحمته} در کافی و شیخ در تهذیب از امام صادق ^{علیه} نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

در زمان ابی‌العباس منصور عباسی، روزی در حیره بر او وارد شدم. آن روز یوم‌الشک بود و مردم در شک بودند و قسم به خدا! من می‌دانستم که آن روز از ماه رمضان است. منصور گفت: یا ابا عبدالله امروز روزه‌ای؟ گفتم: ذاک الی الامام ان صمت صمنا و ان افطرت افطرا این مربوط به امام است. اگر تو روزه بگیري، ما هم روزه می‌گیریم و اگر تو نگیری، ما هم نمی‌گیریم. منصور به غلاش گفت: سفره را بیاور و من با منصور غذا خوردم و قسم به خدا! می‌دانستم که آن روز از ماه رمضان است. راوی به امام صادق ^{علیه} با شگفتی عرض کرد: روزی از ماه رمضان را روزه نگرفتی و از افطار کردی؟ حضرت فرمود: آری قسم به خدا! افطاری یک روز و گرفتن قضای آن روزه، برایم آسان‌تر از این است که گردم را بزنم و خدای متعال عبادت نشود؛ «و کان افطاری یوماً و قضاءه ایسر علی من ان یضرب عنقی ولا یجد الله».

● ۳. شیخ صدوق ^{رحمته} در «در لایحضره‌الغفیه» روایت کرده است: از عیسی بن منصور که وی گفت: در یوم‌الشک خدمت حضرت صادق ^{علیه} بودم. امام به غلاش فرمود: غلام برو ببین سلطان روزه گرفته است یا نه؟ غلام رفت و برگشت و گفت: سلطان روزه نگرفته است. امام غذا طلب کرد و با هم تناول کردیم.

● ۴.ابن‌سعد درطبقات آورده است:

هنگامی که سعیدبن عاص از جانب عثمان والی کوفه بود، رؤی در پایان ماه رمضان به مردم گفت: کدام یک از شما هلال را دیده‌اید؟ مردم گفتند: ما ندیدیم؛ ولی هاشم‌بن عتبهٔ بن ابی‌وقاص گفت من هلال را دیدم. سعیدبن عاص به وی گفت: با یک چشم بینا تنها تو از بین مردم ماه را دیدی؟! هاشم به سعید گفت: مرا برای چشمم سرزنش می‌کنی درحالی‌که چشمم در راه خدا چنین شده است؟! چشم وی در واقعه یرموک آسیب دیده بود. فردا صبح هاشم در منزلش افطار کرد و عید گرفت و مردم نیز نزد او غذا خوردند. این خبر به گوش سعیدبن عاص رسید. آنگاه کسی را به دنبال هاشم فرستاد و او را تکف و خانه‌اش را آتش زد. پس از این ماجرا ام‌الحکم دختر عتبهٔ بن وقاص که از زنان مهاجر بود و نافع‌بن ابی‌وقاص از کوفه به مدینه آمدند و ماجرا را بار ای سعید بن ابی‌وقاص بازگو کردند. سعد نزد عثمان آمد و قضیه را به وی گفت: عثمان هم پاسخ داد: سعید در برابر هاشم در اختیار شماست. او را به تلافی تکف زدن به هاشم بزنید. خانه سعید هم در برابر خانه هاشم از آن شماست. به تلافی آتش زدن خانه هاشم آن را به آتش بکشید. در این هنگام عمر بن سعیدبن ابی-وقاص که کودک بود، به خانه سعید در مدینه آمد و آتشی در آن شعله‌ور ساخت. خبر به عایشه رسید و عایشه در پی سعیدبن ابی‌وقاص فرستاد و او خواست، دست نگه دارد و او دست نگه داشت…

● ۵.ابن‌خلکان گوید:

گروهی از مردم استهلال می‌کردند. انس بن مالک خادم رسول‌الله ^{صلی} که نزدیک به صد سال داشت و نیز ایاس بن معاویه که معروف به کیاست و زیرکی بود، در بین مردم بودند. در این حال ناگهان انس بن مالک گفت: من هلال را دیدم! آنجاست و با دستش به آن اشاره می‌کرد؛ ولی مردم هلال را نمی‌دیدند. ایاس بن معاویه آمد و دستی به چشمان انس کشید و گفت: اباحمه! نگان کن ببین چیزی می‌بینی! انس گفت: الان چیزی نمی‌بینم و مردم دانستند که انس تار موئی را جلو چشمش هلال پنداشته است.

● ۶. یحیی بن حسین شجری در امالی‌الخمسیه ج ۲، ص ۴۲ از نافع بن سعید حکایت کرده است که وی گفت: در سفر حج همراه هارون‌الرشید بودم که دو نفر آمدند و شهادت دادند که ما یک روز پیش از مردم هلال را دیدیم. هارون غمگین شد و گفت: این اولین حجی است که در خلافتم برگزار می‌کنم و آن هم بر خلاف شرع برگزار می‌شود!! آنگاه فقها را جمع کرد. فقها بین شهود جدایی انداختند و سخن شهود مختلف شد و یکسان از کار درنیامد. هارون از شهود پرسید: شما کی هستید؟ پاسخ دادند: از اهل کرمانیم از قائل روستا. هارون دستور داد، آنان را به زندان بیفکنند. آنگاه منادی بین مردم ندا داد تا اهل کرمان آمدند و از آنان از وضع روستای شهود پرسید. مردم گفتند: قسم به خدا

ای امیرا همه اهل آن روستا نزدیک و کافرند. ما با آنها نه آمیزشی داریم و نه رفت آمدی و هیچ‌کس را از اهل آن روستا نمی‌شناسیم. آنگاه هارون آن دو شاهد را احضار کرد و گفت: بگوید شما که هستید؟ قسم به خدا! جز با راستگویی از دست من نجات نمی‌یابید. گفتند ما زندقیم و آدمیم تا حج مردم را فاسد و تباه کنیم. هارون هم دستور داد، آنها را با شمشیر گردن زدند.

● ۷. عبدالجلیل رازی در کتاب جاودانه، نقض سخنی از خصم را راجع به شیعه نقل می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد. مجموع ایراد و پاسخ، برخی از زوایای مسئله را در آن روزگار روشن می‌سازد. آنجا که گفته است:

فضیحت سی و سیم: رافضی بر سنت مصریان رود و دو روز پیش نیت روزه ماه رمضان کند و چون دو روزه به عید مانده باشد، افطار کند و در مصر هم، چنین کنند و به جلد روزه دازند و عید یک روز بیشتر کنند. مخالفت آل عباس را. اما جواب آنچه گفته است که: دو روز بیشتر از ماه رمضان روزه می‌گیرند، به حساب کورتز است ک زهاد و عباد شیعه به دو ماه بیشتر از ماه رمضان روزه بگیرند؛ اما نه به نیت ماه رمضان روزه دازند و کتب فقهای ایشان در احتیاط این مسئله و عدد رؤیت هلال و عدد شهود بر اختلاف احوال، اظهر من الشمس است و به جدول و نجوم و مانند این هرگز معترف نبوده‌اند و آن را منکر باشند و در روز عید روزه گشایند و در این معنی، تقیه نتوان کردن؛ بلی جماعتی اخباریه که خویشان را شیعه خوانند، این معنی مذهب ایشان بوده است و از ایشان بسی نمانده‌اند و اگر جایی باشند، این معنی پنهان اصولیان کنند که علم-الهدای و شیخ موفق بوجعفر طوسی و علمای از متأخرین بر ایشان انکار کرده‌اند در مسائلی چند که این، یکی از آن است و ایشان را قمع و قهر کرده‌اند و تظاهر نیازند کردن و نیازند گفتن؛ مگر این انتقالی [کنا]؟]. در جایی در کتب اخباریه دیده و معلوم است که نه مذهب اصولیان است والحمدلله رب‌العالمین.

و اما آنچه گفته است که مخالفت آل عباس را یک روز بیشتر عید کنند، دگرباره به حساب کورتز است که این معنی، مخالفت شریعت مصطفی باشد. پس بایستی که عباسیان را بر مصطفی ^{صلی} تقدم و ترجیح ندادی که صاحب شریعت مصطفی ^{صلی} است نه ایشان؛ اما خواسته که به تقیه باز نماید که دیگران را بهتر از رسول ^{صلی} می‌داند و به همه حال، امامزاده بهتر از کافرپچه باشد؛ علی‌رغم المصنف والسالم.

● ۸. در تاریخ ابن‌قاضی شهبه، در ضمن حوادث ماه رمضان سال ۷۹۶ آمده است:

در این ماه موضوع غریبی اتفاق افتاد و آن اینکه قاضی حنبلی اثبات و اعلام کرد که اول ماه رمضان سه‌شنبه است. مردم شب چهارشنبه به جست‌وجوی هلال رفتند؛ ولی دیده نشد. عصر روز چهارشنبه قضات هشتگانه برای مراسم سلام بر سلطان وارد شدند. سلطان از قاضی حنبلی درباره کیفیت اثبات ماه رمضان پرسید. قاضی گفت: دو نفر نرزم به رؤیت شهادت دادند. سلطان دچار شک و شبهه شد و پرسید: اگر شب پنج شنبه هم دیده نشود، تکلیف چیست؟ و سخن بالا گرفت. سلطان دستور داد که شب پنج شنبه نیز مردم تزانی کنند و به جست‌وجوی هلال بروند. گفته می‌شد که ماه قیلابیده نشده و شهود به دروغ شهادت داده‌اند و طبل‌خانه سلطان اعلام عید نکرد و بشارت آن را نداد تا اینکه ماه رؤیت شود.

روز پنجشنبه قاضیان و شیخ در مسجد جامع گرد آمدند و مردم برای دیدن ماه، بالای مناره‌ها رفتند. در این هنگام مردی هلال را دید و به رؤیت شهادت داد سپس دیگری تا شمارشان به هفت نفر رسید و شهادت دادند و هلال ثابت شد. قاضی حنبلی از این ماجرا ترسید آنگاه سلطان در میدان نماز خواند و قاضی مصر خطبه ایراد کرد و نایب شام قبه را حمل کرد و قاضی شام در مسجد جامع خطبه خواند و به مصلاهی جمعه نرفت…

● ۹. شیخ محمدجواد مغنیه گوید:

در سال ۱۹۳۹ م عید قربان در مصر دوشنبه بود و در عربستان سعودی سه‌شنبه و در بمبئی چهارشنبه و در سال ۱۹۶۰م دولت پاکستان و تونس برای جلوگیری از هرج و مرج مقرر کردند که برای ثبوت هلال باید به سخن هیویان و منجمان اعتماد کرد.

● ۱۰. وی همچنین می‌گوید: در سال ۱۹۶۴ م یکی از مراجع نجف و مقلدانش، روز جمعه را عید گرفتند و مرجع دیگری و مقلدانش نیز در نجف اشرف روز شنبه را!

● ۱۱. در سال ۱۳۹۳ در قطر از یکی از شهرها خبر رسید که شب جمعه هلال رؤیت شده و روز جمعه عید است. رادیو هم مردم را به افطار روز جمعه دعوت کرد. مردم هم جمعه را عید گرفتند؛ ولی در شب دوم یعنی شب شنبه هم، قطعاً ماه دیده نشد و تنها در شب سوم یعنی شب یکشنبه عده‌ای تزیین آن را به‌شکلی ضعیف دیدند که ۲۵ یا ۳۰ دقیقه در افق پیدا بود؛ درحالی‌که طبق این شهادت، شب سوم ماه بود. از این رو مردم مضطرب شدند و یقین پیدا کردند که روز جمعه و ترجیحاً شنبه نیز از ماه مبارک رمضان بوده است.

● ۱۲. مرحوم آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی در نامه‌ای خطاب به مرحوم آیت‌الله خوبی درباره عید فطر در ۱۳۹۶ که به‌دلیل اختلاف فتوای ایشان با مشهور فقها در ثبوت عید در ایران اختلاف و دو دستگی شد، می‌نویسد:

عید فطر امسال معرکه عجیبی در همه نواحی بود که باعث اختلاف شدید و ترک جماعات و سقوط ابهت و عظمت عید و مایه بروز نفاق و ظهور عوامل ایادی شیطان بود. این تشمت و دو دستگی و آثار جانبی آن باعث شد، مرحوم آیت‌الله تهرانی طی سه نامه، مبنای آیت‌الله خوبی را نقد کند و از ایشان بخواهد، از این نظر عدول یا حداقل احتیاط‌کنند.

آیت‌الله خوبی هم پاسخ دو نامه از این نامه‌ها را دادند و بر نظر خود اصرار ورزیدند و پیشنهاد مرحوم آیت‌الله تهرانی مبنی بر عدول از فتوا به احتیاط را هم نپذیرفتند. این پنج نامه علمی در مجموعه‌ای به‌نام رساله حول مسئله رؤیة‌الهلال چاپ شده و با تجدید نظر مرحوم تهرانی و اضافات ایشان در جلد دوم رؤیت هلال نیز خواهد آمد.

● ۱۳. مفتی قطر می‌نویسد:

عید فطر در سال ۱۴۰۰ بیجا و برخلاف واقع و بر اساس شهادت دروغ به رؤیت هلال در شب دوشنبه اعلام شد. درحالی‌که شب دوشنبه و نیز شب سه‌شنبه کسی ماه را ندید و معلوم شد، این شهادت باطل بوده است و مردم تنها در شب چهارشنبه ماه را دیدند، مانند هلال شب اول ماه و برای همه معلوم شد که ادعای رؤیت شب دوشنبه دروغ برای محض بوده است.

● ۱۴. دکتر یوسف قزوازی از عالمان معاصر اهل سنت می‌نویسد:

آغاز ماه رمضان ۱۴۰۹ را برخی کشورها پنجشنبه برخی جمعه و برخی شنبه گرفتند.

نیز در گفت‌وگویی با شبکه الجزیره در روز یکشنبه پنجم ماه رمضان ۱۴۱۸ اظهار کرد: چند سال پیش آغاز ماه رمضان در کشورهای خلیج روز چهارشنبه در مصر و تونس و الجزایر روز پنجشنبه در مغرب، پاکستان و هند جمعه و در بنگلادش روز شنبه بود.

قزوازی افزود: من در آمریکا دیدم، این اختلاف از کشورهای اسلامی به مسلمانان آمریکا بلکه حتی به یک خانواده سرایت کرده است؛ به‌طوری‌که شوهر روزه نبود؛ ولی همسرش روزه بود. فرزند افطار می‌کرد؛ ولی پدرش روزه‌دار بود، یکی به پیروی از پاکستان و دیگری به پیروی از عربستان و سومی به پیروی از مصر روزه می‌گرفت. آیا این عاقلانه است؟

● ۱۵. عید فطر سال ۱۴۱۲ هم حوالی ساعت ۹ صبح از رسانه‌ها اعلام شد؛ یعنی اعلام شد که ماه رمضان ناقص و ۲۹ روزه بوده و همان روز عید فطر است و شب گذشته و شهود هلال را رؤیت کرده‌اند ● ۱۶. در عید فطر سال ۱۴۱۹ در لبنان اختلاف شدیدی در ثبوت عید بین شیعیان بروز کرد که بر اثر آن، غوغایی بر

با شد و لبنان معرکه عظمی گشت! عده‌ای از شیعیان به استناد شهادت شهود، روز دوشنبه را و عده‌ای به استناد سخن هیویان و منجمان که رؤیت هلال در عصر یکشنبه را غیرممکن می‌دانستند، سه‌شنبه را عید فطر اعلام کردند. در لبنان روزنامه‌ها و نشریات متعددی به این موضوع پرداختند و با مقالات علمی و گاه غیرعلمی، هر یک از این دو گروه از نظر خود دفاع کردند. مقالاتی که گاهی بین آنها اظهار تأسف و تحسر هم دیده می‌شد. مانند مقاله‌هایی با عنوان وحده‌المسلمین بین هلالین والعید اضائع! این طوفان تا مدتی در لبنان ادامه داشت.

عین همین اختلاف و درست به‌همان دلیل در عید فطر سال ۱۴۲۴ در ایران نیز بروز کرد و توابعی ناخوشایند داشت. ۱۷. سال ۱۳۸۳ نیز حادثه غریبی رخ داد. شورای عالی قضائی عربستان طبق تقویم ام-القری درست مانند تقویم رسمی ایران، روز چهارشنبه برابر ۲۳دی‌ماه ۱۳۸۳ را روز اول ذی‌الحجه ۱۴۲۵اعلام کرد. روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون عربستان نیز روز چهارشنبه را اول ماه دانستند؛ ولی ناگهان عصر جمعه برابر با سوم ماه، شورای عالی قضائی عربستان اعلام کرد که جمعه چهارم ماه و روز سه‌شنبه اول ماه بوده است. روزنامه‌های روز شنبه عربستان در توجیه این حکم نوشتند: سه نفر در شرق منطقه رین ماه را عصر دوشنبه ۲۹ ذی‌قعدة دیده‌اند؛ بنابراین روز سه‌شنبه اول ماه بوده است.

در این زمینه شورای عالی قضایی عربستان بیانهی صادر کرد: فان مجلس القضا الاعلی قد اصدر بیانا بأن یوم الاربعاء هو اول شهر ذی‌الحجّة رغم ان الناس روا القمر مساء یوم الثلاثاء ۳۰ ذی‌القعدة حسب تقویم‌القری فی عامة المدن و راه وعلیاً و لأن مجرد ذلك لاکیفی لاعتبار الشهر داخلً یوم‌الثلاثاء و لانه لم یترقد احد بویه‌الهلال مساء الائنین ۲۹ من ذی‌القعدة فقد اعتمد المجلس اكمال العدة و نظراً لانه تقدم فی مساء یوم‌الجمعه‌الموافق ۳ ذی‌الحجه حسب تقویم‌ام‌القری عدة شهود بویه‌الهلال لیلة الثلاثاء و هم من السیح شرق محافظة‌الربین… فطلبهم فضیلة‌قاضی‌الربین و حضر منهم اثنان شهدا بویه‌هلال ذی‌الحجه بعد مغرب یوم‌الائتین…

در زمان مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج‌آقا حسین بورجردی ^{رحمته} نیز روزی هلال برای آیت‌الله سیداحمد خوانساری ^{رحمته} در تهران اثبات شد و ایشان اعلام عید کرد؛ ولی برای آیت‌الله بورجردی ^{رحمته} ثابت نشده بود. عده‌ای از بزرگان علمای تهران برای رعایت حرمت مرحوم خوانساری ^{رحمته} و اینکه اگر آیت‌الله بورجردی اعلام عید نکند، شخصیت ایشان مخدوش می‌شود نزد آیت‌الله بورجردی آمدند و ایشان هم به اعتماد آیت‌الله خوانساری و برای حفظ حرمت وی، بعد از ظهر اعلام عید کردند.

مرحوم آیت‌الله سیدمرتضی موحد‌الطیحی درباره استادش عالم بزرگ آیت‌الله آقا سیدعلی نجف‌آبادی می‌گوید:

سالی برای ایشان هلال ماه رمضان ثابت شده بود و حکم به اول ماه کرد. عده‌ای از آقایان مخالفت کردند و حتی روی منابر به آن مرحوم ناسزا گفتند. عاقبت همین بی‌اعتنایی‌ها و ناسزاگویی‌ها سبب مرگ ایشان شد.

● ۱۸. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه(صنیع‌الدوله) وزیر انطباعات دوره ناصری در خاطرات خود، پاره‌ای از حوادث رؤیت هلال شوال را در برخی سال‌ها به قلم آورده است و می‌نویسد:

شنبه غره شوال عید فطر است… بنابراین مدلول دست‌خط ماها عمله خلوت همایونی باید در عمارت خانواده سرایت کرده است؛ به‌طوری‌که شوهر روزه نبود؛ ولی همسرش روزه بود. فرزند افطار می‌کرد؛ ولی پدرش روزه‌دار بود، اصغامنایم…

یک‌شنبه ۲ شوال[۱۲۹۸] صبح برخاسته و شنیدم دیروز حاجی ملاعلی کنی مجتهد ^{رحمته} تنها افطار نکرده است.

پنج‌شنبه غره شوال[۱۳۰] امروز یقین اول ماه بود. با وجودی که در دو سه تقویم نوشته بودند که امروز غره است و تلگراف از تبریز و عراق و قم و قزوین رسید که رؤیت هلال شد، باز شاه محض‌النفات به حاجی ملاعلی کنی مجتهد ^{رحمته} به او تلگراف فرمودند که تکلیف چه است؟

حاجی مجتهد هم جواب عرض کرده بودند که باید در افق تهران رؤیت شود، آن وقت افطار کنند. من در خانه بودم. بعد از ناهار شاه، به‌واسطه کسالت به خانه آمدم. چهار ساعت به غروب مانده، صدای توپ شنیده شد و معلوم شد که حاجی میراحسن آشتیانی ^{رحمته} که از مجتهدین دیگر تهران است، افطار کرده. علمای دین مخالفت در رؤیت هلال هم می‌کنند!

سه‌شنبه غره شوال[۱۳۱۰]… با اینکه دیشب ابر بود و رؤیت هلال در تهران نشده بود؛ اما در سایر بلاد ایران ماه را دیده بودند. تقاره‌خانه عید را زدند. من احتیاطاً آدمی را هم نزد میراحسن آشتیانی فرستادم. گفته بود: عید است و باید افطار کرد.

● ۱۹. پرفسور یوسف مروه یکی از کارشناسان مسائل هیوی

و نجومی رؤیت هلال در سال ۱۹۹۸م گفته است:

انقضی علی وجودی فی هذا المہجر کنذا مدة ۲۷ سنه و انا الاحظ فی کل عام عند بداية شهر رمضان المبارک و نهاية بروز الخلاف بین المسلمین علی تحديد اول الشهر و نهائیه و تتجلی ماساة الخلاف فی ان ابناء الحی الواحد والشارع الواحد والمبنی الواحد یعدون عیدهم فی ایام مختلفه و تقع ادارات المدارس الکندیة فی مآرق عند ما تطلب کل عائلة اذن العطلة لاطفالها للاحتفال بالعيد فی ایام مختلفة و یظهر المسلمون امام الکندین بمظهر الاختلاف والفرقه حول مسئله اصحبت بدهیة فی هذاالعصر الذی وصل التقدم العلمی والتقنی فیه الی القمة والارجح من حیث الدقة فی الرصد والتصویور والقیاس فی رصد و تعیین بداية الشهر القمری…

● ۲۰. در آغاز ماه رمضان ۱۴۲۶ لیبی، روز سه‌شنبه ۱۳۸۴/۷/۱۲شمسی جمهوری اسلامی ایران و عربستان روز چهارشنبه و پاکستان روز پنجشنبه را اول ماه اعلام کردند.

● ۲۱. در پایان ماه رمضان سال ۱۴۲۶ درست مانند سال ۱۴۲۴ در ایران اختلاف شدیدی در ثبوت عید بین شیعیان بروز و شیرینی عید را در ذقته‌ها به تلخی مبدل کرد و بر اثر آن غوغایی به‌پا شد. عده‌ای به استناد شهادت شهود روز پنجشنبه ۱۳۸۴/۸/۱۲را عید اعلام کردند و عده‌ای دیگر به استناد قطعیات و مسلمات هیئت و نجوم که رؤیت هلال در عصر چهارشنبه را غیرممکن می‌دانست، روز جمعه را عید فطر دانستند. پاره‌ای از نشریات و روزنامه‌ها هم بدین موضوع پرداختند. هر یک از این دو گروه، با مقالات علمی و گاه غیرعلمی، از نظر خود دفاع کردند و طوفان مجادله و منازعه تا مدتی ادامه داشت و عید را به عزارتبدیل کرد.

در این سال لیبی روز چهارشنبه ۱۳۸۴/۸/۱۱شمسی، عربستان روز پنجشنبه و جمهوری اسلامی ایران، روز جمعه را روز عید فطر دانستند.

● ۲۲. در آغاز ماه رمضان سال ۱۴۲۶ هم، اندک اختلافی در ایران پیش آمد؛ ولی از آنجا که اختلاف در آغاز ماه چندان محذور و انعکاسی ندارد، بروز و ظهوری نیافت. جناب آقای سیدمحسن قاضی میرسعید یکی از کارشناسان خیره رؤیت هلال و رکورددار جهانی رؤیت جوان‌ترین هلال گزارش تلاش رسدگران ایرانی برای شکار هلال ماه رمضان سال ۱۴۲۶ را طی مقاله‌ای با عنوان «جویندگان هلال شامگاهی [ماه] رمضان» نوشت و در ماهنامه نجوم منتشر شد که طالبان می‌توانند بدان مراجعه کنند.

● ۲۳. در آغاز ماه رمضان سال ۱۴۲۷ هم، اختلاف شدیدی بین کشورهای اسلامی بروز کرد: کشورهای عربستان، امارات، قطر، بحرین، کویت، لیبی، سودان، یمن، فلسطین و اهل سنت لبنان و عراق روز شنبه ۱۳۸۵/۷/۱شمسی را اول ماه رمضان دانستند. در الجزایر، اردن، مصر، تونس، عمان، سومالی، آلبانی، روسیه، ترکیه، آذربایجان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان روز یکشنبه اول ماه اعلام شد. ایران و پاکستان و هندوستان هم روز دوشنبه را اول ماه مبارک اعلام کردند.

● منبع

رؤیت هلال، ج، ۱، ص ۳۸ و ۵، ص ۲۷ به‌کوشش رضا مختاری و محسن نوروزی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی واحد احیای آثار اسلامی.



رؤیت هلال با چشم مسلح

آیت‌الله سیفی مازندرانی

ادامه از صفحه ۲

صریح‌تر از این روایت، صحیح‌ه خُزّاز به‌نقل از ابی‌عبدالله علیه السلام است: «ولیس رؤیة‌الهلال ان یقوم عدّة‌ فیقول واحد قد رأیته و یقول الآخرون لم نره إذا راه واحد راه مائة و إذا راه مائة راه ألف.»^{۱۸}

نظیر این صحیح‌ه، مؤثقه‌ سماعه‌ است: «إنه‌ سأل أباعبدالله علیه السلام عن الیوم فی شهر رمضان یُختلف فیهِ، فقال: إذا اجتمع أهل مصر علی صیامه‌ للرویة، فاقضه‌ إذا كان أهل المصر خمسمة‌ مائة‌ إنسان.»^{۱۹} و نیز مؤثقه‌ عبدالله‌بن بکیر به‌نقل از ابی‌عبدالله علیه السلام: «صم للرویة و أظفر للرویة و لیس رؤیة‌ الهلال أن یرعیه‌ الرجل والرجلان فیقولا رأینا، إنما الرویة‌ أن یقول القائل: رأیت فیقول القوم صدق.»^{۲۰}

گرچه‌ این روایات در باب تعارض شهادت مدعیان و منکران رؤیت وارد شده‌اند، به‌روشنی بر این دلالت دارند‌که‌ وجوب روزه و افطار، منوط به‌ رؤیت متعارفی است که‌ برای عموم مردم اتفاق بیفتند. با ادله‌ یادشده‌، دلیل نادرستی ادعای اطلاق نصوصی که‌ امر می‌کنند، در صورت رؤیت، روزه بگیرید و افطار کنید، روشن می‌شود. ادعای ما بر رد این اطلاق، صرفاً از باب انصراف بی‌دلیل و نستجیده‌ نیست تا بتوان از این لحاظ بر آن خرده‌ گرفت.

۴۵. از طریقی دانستن رؤیت و منوط ساختن حکم به‌ ثبوت واقعی هلال، محدودری پیش می‌آید که‌ نمی‌توان بدان ملتزم شد. توضیح اینکه‌ رؤیت متعارف، غالباً پس از سپری شدن چند ساعت از خروج هلال از محاق اتفاق می‌افتد و لازمه‌ این امر، آن است که‌ در طول تاریخ اسلام، از زمان رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا به‌ امروز، روزه‌مسلمانان در اول ماه رمضان و افطارشان در اول ماه شَوّال نبوده باشد؛ زیرا فرض این است که‌ غالباً پس از تحقق موضوع حکم، هلال را رؤیت می‌کردند. لازمه‌ این امر، آن است که‌ شارع، مکلفان را به‌ طریق و اماره‌ای ارجاع داده باشد که‌ غالباً خلاف واقع است و بدین ترتیب آنان را از تکلیف واقعی دور کرده باشد؛ در صورتی که‌ می‌توانست با بیانی مناسب، منوط بودن ثبوت هلال بر خروج آن از محاق را برساند. برای مثال از تعبیری مانند «إذا عَلمَ أول الشهر» و جز آن استفاده‌ کند که‌ همه‌ راه‌های علم را شامل می‌شوند.

به‌ بیانی دیگر، لازمه‌ این سخن، آن است که‌ شارع، تکلیفی را برای بندگان معین کند، سپس خود او، آنان را به‌ مخالفت با این تکلیف واقعی وادارد. چنین چیزی را در حق شارع حکیم نمی‌توان پذیرفت. نتیجه‌ اینکه‌ موضوع وجوب روزه و افطار، فقط رؤیت متعارف است.

ممکن است این اشکال مطرح شود که‌ طبق گفته‌ شما، اگر رؤیت متعارف در آینده‌ تغییر کند؛ یعنی مردم عادت کنند به‌ دلیل فراوانی دوربین یا تلسکوپ، در رؤیت، از آن‌ها استفاده‌ کنند، لازم می‌آید که‌ هلال با این ابزار ثابت شود؛ زیرا موضوع حکم در آن زمان تغییر یافته‌ است و نیز قاعده‌ چنین اقتضا می‌کند؛ یعنی رجوع به‌ امور متعارف هر زمان در تعیین موضوعات عرفیه‌؛ چنانکه‌ فقها این قاعده‌ را در ابواب مختلف فقهی پذیرفته‌اند؛ مانند تعیین مکیل و مزوزن در باب ربا و مؤونه‌ در باب خمس و موارد دیگر.

پاسخ: این سخن زمانی درست است که‌ متعارف عصر شارع، خصوصی نداشته باشد؛ درحالی‌که‌ در این بحث، احتمال دخالت داشتن ظهور هلال و قابلیت رؤیت متعارف آن در وجوب روزه و افطار، گریزناپذیر است.

۵. قاعده‌ تمسک به‌ عام در شبهات مفهومی‌ه‌ مخصوص دایر بین اقل و اکثر: در محل بحث، عموم وجوب روزه در ماه رمضان وارد شده و به‌ رؤیت هلال شَوّال، مستثنی شده‌ است. همچنین عموم جواز اکل و شرب در غیر ماه رمضان وارد شده و در مقابل، رؤیت هلال ماه رمضان به‌عنوان مخصص ذکر شده‌ است؛ مانند صحیح‌ه عبدالله‌بن‌سان: «والاصم‌ للرویة»^{۲۱} و احادیث دیگر.

مدلول مخصص، دایر است میان اقل (رؤیت هلال با چشم سر به‌صورت متعارف) و مطلق رؤیت، هرچند با تلسکوپ و مانند آن. مقتضای قاعده‌ آن است که‌ هنگام رؤیت هلال شَوّال با چشم مسلح، به‌ عموم وجوب روزه و هنگام رؤیت هلال ماه رمضان، به‌ عموم جواز اکل و شرب رجوع کنیم. جای طرح این اشکال نیست که‌ دلیل دالّ بر وجوب روزه در ماه رمضان و جواز اکل در شعبان، از قبیل مطلق است نه‌ عموم؛ زیرا در جای خود ثابت کرده‌ایم که‌ قاعده‌ مزبور در اطلاق و تقبید نیز جریان دارد.

• **ادله‌ قائلین به‌ جواز ثبوت هلال با چشم مسلح**

مهمترین ادله‌ کسانی که‌ روزه و افطار را با رؤیت به‌وسیله‌ دستگاه جایز

می‌شمرند و آن را ملاک وجوب روزه و افطار در اول ماه رمضان و شَوّال می‌دانند، از قرار زیر است:

۱۵. شکل‌گیری هلال، امری تکوینی و واقعی است و عبارت است از خروج ماه از زیر سایه‌ زمین که‌ میان ماه و نور خورشید حایل شده‌ است و قرار گرفتن بخشی از ماه در برابر نور خورشید و ثبوت امر تکوینی و واقعی، تابع رؤیت مردم نیست. بنابراین اگر از طریق دستگاه ثابت شود و با چشم مسلح دیده‌ شود، این رویداد تکوینی ثابت می‌گردد؛ چراکه‌ در نصوص، وجوب روزه و افطار به‌ ثبوت هلال منوط شده‌ است.

اشکال این دلیل آن است که‌:

اولاً: منوط بودن وجوب روزه و افطار به‌ ثبوت هلال واقعی، مردود است؛ زیرا چنان‌که‌ گذشت، نصوص در منوط بودن حکم به‌ رؤیت متعارف، ظهور دارند. ثانیاً: آن بخش از سفیدی ماه که‌ از محاق بیرون آمده، اگر به‌گونه‌ای عیان نباشد که‌ بتوان به‌طور متعارف آن را دید، هلال نامیده نمی‌شود؛ زیرا از سویی معنای موضوع‌له‌ هلال، آن را در بر نمی‌گیرد و از سوی دیگر، اقتضای قاعده‌ اصالت‌الحقیقه‌، ظهور هلال در معنای مزبور است.

۲۵. صحیح‌ه هشام‌بن حکم از ابی‌عبدالله علیه السلام: «إن كانت له‌ بینة‌ عادلة‌ علی أهل مصر أنهم صاموا ثلاثین علی رؤیته‌ قضی یوماً»^{۲۲} با این ادعا که‌ وجوب قضا در کلام امام علیه السلام فرع منوط بودن حکم به‌ ثبوت واقعی است؛ زیرا طبق روایت، از آنجا که‌ افطار آن مرد در روز سی‌ام، به‌زعم رؤیت یا گزارش برخی، مطابق واقع نیست، واجب است روزه آن روز را قضا کنند.

در نقد دلیل فوق می‌توان گفت:

اولاً: اگر مقصود امام علیه السلام از «اهل مصر» کبرای کلی باشد و بر شهر کسی که‌ درباره‌ روزه بیست و نه روزه پرسیده‌ است، قابل انطباق باشد، معنای سخن حضرت چنین خواهد بود: اگر کسی بیست و نه روز، روزه بگیرد و آنگاه شخص عادل‌ی به‌ او بگوید که‌ مردم شهر او، سی روز روزه گرفته‌اند، قضای آن روز بر او واجب خواهد بود و اگر مقصود، شهر شخص افطارکننده‌ باشد که‌ مورد سؤال است، چنانکه‌ بعید نیست، مسئله روشن است. پس بنابر هر دو احتمال، سخن حضرت در منوط بودن وجوب افطار و روزه به‌ رؤیت متعارف ظهور دارد.

ثانیاً: اگر مراد از اهل مصر، مردم شهری دیگر باشد، نه‌ شهر کلی و نیز نه‌ خصوص شهر شخص مورد سؤال، بر شهر نزدیک و هم‌اق با شهر آن شخص حمل می‌شود. علت این انصراف آن است که‌ در آن زمان، مردم با شتر و اسب و الاغ و حیوانات دیگر مسافرت می‌کردند؛ از این رو خیره‌امیان شهرهای نزدیک رد و بدل می‌شد، نه‌ شهرهای دور. بر این اساس، مدلول روایت این خواهد بود که‌ ثبوت هلال، مشروط است به‌ رؤیت مردم شهر، نه‌ یک شخص و این رؤیت چیزی جز رؤیت متعارف نیست. نتیجه‌ اینکه‌ دلالت این روایت بر مدعا‌ی ما قوی‌تر است.

۳۵. احکام به‌ طابع موضوعاتشان تعلق می‌گیرند. اگر موضوع به‌ هر طریق و با هر ابزاری ثابت شود و به‌طور وجدانی و یقینی معلوم گردد، حکم ثابت خواهد

شد. برای مثال اگر شخص عادل‌ی با استفاده از دوربین یا تلسکوپ، ببیند که‌ کسی، دیگری را کشت، بدون هیچ اشکالی جایز است، درادگاه شهادت دهد. دیدن هلال با چشم مسلح نیز همین‌گونه‌ است.

نقد: این استدلال در فرضی تمام است که‌ وجوب روزه و افطار به‌ اولین لحظه‌ خروج ماه از محاق، یعنی خروج آن از زیر سایه‌ زمین و در معرض نور خورشید قرار گرفتن، تعلق گرفته‌ باشد. در این صورت، با توجه به‌ اینکه‌ فعلیت حکم، منوط است به‌ علم به‌ تحقق موضوع آن، اگر ماه توسط هر ابزاری مشاهده‌ شود، حکم بر آن مرتب خواهد شد.

اما مقتضای دقت نظر، خلاف این است؛ زیرا چنانکه‌ گفتیم، فرض این است که‌ موضوع وجوب روزه و افطار، رؤیت متعارف هلال است و این زمانی تحقق می‌یابد که‌ هلال چنان آشکار باشد که‌ عموم مردم بتوانند آن را ببینند. از سویی، احتمال خصوصیت داشتن (قابل رؤیت متعارف بودن) در موارد این نصوص، برای جلوگیری از انعقاد اطلاق و جواز فراوی به‌ غیر آن، کفایت می‌کند. همچنین اگر متیقن، امری متعارف باشد و خارج از متیقن، امری غیرمتعارف، وجود متیقن در مقام تخاطب، مانع انعقاد اطلاق می‌شود.^{۲۳} رؤیت با چشم مسلح نیز از همین قبیل است.

۴۵. بی‌شک در آیه‌ «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه‌»، شهود ماه رمضان در موضوع وجوب روزه، اخذ شده‌ است. ماه رمضان یک رویداد تکوینی است و اگر معلوم گردد، روزه واجب خواهد شد. همچنین موضوع وجوب افطار عبارت است از ثبوت واقعی ماه شَوّال. چنانکه‌ در بررسی لغوی گذشت، در معنای واژه «شهود» رؤیت و دیدن با چشم معتبر نیست؛ بلکه‌ این واژه برای علم حضوری وضع شده‌ است؛ هرچند از راهی غیر از رؤیت به‌ دست آید. بدین ترتیب، اگر ثبوت ماه به‌ هر طریقی معلوم شود، حکم بر آن بار می‌گردد.

نقدوبررسی:

مدلول نصوص، اعتبار رؤیت در اثبات ماه است و حتی از نصوص چنین برمی‌آید که‌ هلال آشکار و قابل مشاهده‌ برای عموم مردم، در موضوع وجوب روزه و افطار اخذ شده‌ است. به‌ قرینه‌ این نصوص، درمی‌یابیم که‌ مقصود از شهود شهر در آیه‌، شهود از راه رؤیت هلال آن است. از طرفی، شهود، یک عنوان عرفی محض است و به‌ شهود متعارف انصراف دارد.

اشکالی که‌ در خصوص استدلال پیشین مطرح شد، در رابطه با این استدلال نیز مطرح می‌شود؛ زیرا تکوینی و واقعی بودن ماه، منافاتی با این ندارد که‌ شارع در موضوع حکم، آشکار و قابل رؤیت بودن هلال برای عموم مردم را معتبر بداند. علت امر آن است که‌ ثبوت واقعی ماه، تمام موضوع نیست؛ بلکه‌ ظهور هلال و قابلیت دیده‌ شدن معمول آن نیز، در موضوع اخذ شده‌ است.

۵۵. پاره‌ای از نصوص در این ظهور دارند که‌ ثبوت هلال به‌ رؤیت آن، هنگام غروب آخرین روز ماه گذشته‌ منوط نیست؛ بلکه‌ بر واقعیتی متوقف است که‌ با رؤیت آن در صبح اولین روز ماه جدید معلوم می‌شود. نمونه‌ این نصوص، روایت داوود از ابی‌عبدالله علیه السلام است: «إذا طلب الهلال فی المشرق عدوة‌ فلم یرَ، فهو هاهنا هلال جدید رؤی أم لم یر.»^{۲۴}



و بدون ابزار قابل رؤیت نباشد، نمی‌توان به‌ اول ماه حکم داد.
تحریر:اوسیه؛ ۲۰ح.ص۱۶۳، ۱۸م.

۱۷. الوسائل،ب۱۱، من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۴ و ۵؛

۱۸. الوسائل،ب۱۱، من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۶؛

۱۹. متوفی ۱۷۵ ه‍.ق؛

۲۰. کتاب‌العین،ج ۳،ص ۱۸۹۶؛

۲۱. تهذیب‌اللغة؛ج ۵،ص ۳۶۵؛

۲۲. همان؛

۲۳. از بزرگ‌ترین لغت‌شناسان زبان عربی است. در سال ۲۲۳ متولد شد و در سال ۳۲۱ از جهان چشم فرو بست. الجهمرة فی اللغة، الإشتقاق، الخلیل‌الکبیر، والخیلیل‌الصغیر از جمله آثار او هستند. وقتی از دنیا رفت، مردم در حق او گفتند: با مرگ این درید و حیاتی. که‌ در یک روز رخ داد. علم لغت و کلام نیز مزین. مقدمه‌ کتاب فقه اللغة للعلانی، تراجم أئمة اللغة، ص ۱۴؛

۲۴. الوعیاس احمدبن زیدبن سبیرالشیبانی در سال ۲۰۰ به‌ دنیا آمد و در سال ۲۹۱ از دنیا رفت. در زمان خود، در نحو و لغت، امام کوفیین بود. از محضر ابن‌العرابی و دیگران بهره‌ها برد. شخصی مورد اعتماد و دین‌دار بود و به‌ راست‌گویی و شناخت غریب و روایت شعر کهن شهرت داشت و از همان کودکی نزد اساتید به‌ تفوق شناخته می‌شد. زمانی که‌ ابن‌العرابی در چیزی تردید می‌کرد، نظر ابوعباس را جویا می‌شد و این خود اطلاعات واسع او را می‌رساند. ابوبکر تاریخی از او چنین یاد کرده‌ است: ابوعباس ثعلب در میان عرب‌زبانان، راست‌گوترین، الامقام‌ترین، پراوازه‌ترین، برجسته‌ترین و دانشمندترین بود. مقدمه‌ فقه اللغة للعلانی، ص ۲۰؛

۲۵. تهذیب‌اللغة؛ج ۵،ص ۳۶۶؛

۲۶. ابراهیم؛ ۴.

۲۷. وسائل‌الشیعة؛ب ۱۱ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۱۳؛

۲۸. وسائل‌الشیعة؛ب ۱۱ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۱۰؛

۲۹. وسائل‌الشیعة؛ب ۱۱ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۶؛

۳۰. وسائل‌الشیعة؛ب ۱۱ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۱۴؛

۳۱. وسائل‌الشیعة؛ب ۱۱ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۱۶؛

۳۲. وسائل‌الشیعة؛ب ۵ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۱۳؛

۳۳. در میحت اطلاق و تقبید کتاب «بدایع‌البحوث» و کتاب «دقائق‌البحوث» در علم اصول، این مسئله را بررسی کرده‌ و توضیح داده‌ام؛

۳۴. وسائل‌الشیعة؛ب ۹ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۴؛

۳۵. وسائل‌الشیعة؛ب ۹ من ابواب احکام شهر رمضان،ح ۰؛

عدای با چشم محقق شده‌ است و نقش دستگاه فقط زمینه‌سازی بوده‌ است.

۳۵. همه بحث‌های گذشته‌ در جایی است که‌ حاکم شرح به‌ ثبوت هلال حکم نکرده‌ باشد؛ اما اگر حکم کند، به‌-دلیل ولایت مطلقه‌ فقیه و نیز به‌دلیل وجود نصوص خاص و معتبر در مقام، هلال ثابت خواهد شد. در بخش صوم کتاب «دلیل‌تحریرالوسیله‌» به‌تفصیل در این باره بحث کرده‌ایم. با حکم حاکم، این مشکل بغرنج حل می‌شود و مایه‌ چنددستگی و نزاع میان مؤمنان رخت برمی‌بندد و به‌برکت ولایت مطلقه‌ فقیه که‌ در مذهب تشیع وجود دارد، مشکل برطرف می‌شود.

۴۵. اگر حاکم براساس فتوای خود مبنی بر ثبوت هلال با رؤیت آن از راه چشم مسلح، به‌ ثبوت هلال حکم دهد، با اینکه‌ یک مسئله‌ اختلافی است، حکم او در حق سایر فقهای مخالف و نیز بر مقلدانشان نیز نافذ است. علت امر این است که‌:

اولاً: ادله‌ ولایت فقیه بر منصب فتوا، نمی‌تواند شامل مواردی شود که‌ نفوذ فتوای او و عمل به‌ آن، به‌ تفرقه و چنددستگی

مؤمنان بینجامد؛ زیرا از مسلمات دین است که‌ شارع، منصب فقاهاه و مرجعیت شرعی را به‌ این منظور قرار داده‌ است که‌ امت، نظام یابد، چنددستگی از بین برود، جمع مؤمنان محفوظ بماند و عاملی برای عزت و شوکت شیعه‌ دوازده‌امامی باشد. ولایت فقیه بر چنین اساس محکمی استوار است و اگر نفوذ فتوای فقیه با این اساس در تضاد باشد و فاقد این مصلحت باشد، ادله‌ ولایت این صورت را شامل نخواهد شد و برای اثبات ولایت او بر فتوا در چنین موردی صلاحیت نخواهد داشت.

ثانیاً: این مسئله‌ از قبیل یقین به‌ خطای حاکم در مستند حکم خود نیست؛ زیرا مراد از یقین در باب خطای حاکم، یقین وجدانی است؛ درحالی‌که‌ در اینجا، علم تعدی‌ای مقصود است که‌ از راه امارات اجتهادی‌ه‌ برای دیگر فقها به‌

نقدوبررسی:

اینکه‌ شارع، غیر از رؤیت متعارف، امارات دیگری نیز قرار داده‌ باشد، با اماره‌ بودن آن منافاتی ندارد و این به‌معنای کفایت مطلق ظن نیست؛ البته اشکالی در ثبوت هلال نیست؛ اگر از طریق دیگران نسبت به‌ تحقق رؤیت متعارف آن، علم حاصل شود؛ مانند شیاع مفید علم یا گزارش کسی که‌ گفته‌اش علم‌آور است. بنابراین، ثبوت هلال از راه‌گذشتن سی روز، به‌دلیل علم وجدانی و یقینی به‌ دخول ماه جدید، منافاتی با این ندارد که‌ رؤیت متعارف در غیر این صورت،

اماره باشد. براین اساس اقتضای اماره بودن رؤیت متعارف آن است که‌ تا وقتی اماره دیگری تحقق نیابد و نیز علم یقینی وجدانی حاصل نشود، ثبوت هلال، منوط به‌ رؤیت متعارف خواهد بود و در غیر این صورت، هلال از طریق اماره‌ی دیگر یا از طریق علم وجدانی به‌سبب گذشتن سی روز یا به‌سبب متعارف دیگر، ثابت خواهد شد. بدین ترتیب اماره بودن

تطوّق و رؤیت در سپیده‌دم روز بیست و نهم و مواردی از این قبیل، در طول عدم تحقق رؤیت متعارف در غروب شب آن روز است.

آنچه‌ گفته‌ شد، مهمترین ادله‌ قائلین به‌ جواز بود و همان‌طور که‌ دیدید، هیچ‌یک تمام نبودند و توان اثبات مدعی را نداشتند. نتیجه‌ اینکه‌ هلال با رؤیت توسط چشم مسلح ثابت نمی‌شود.

• **چندنکته‌ مهم**

۱۵. هلال با رؤیت توسط دوربین و تلسکوپ در آسمان ابزی یا غبارآلود و یا با وجود مانع آسمانی دیگر، ثابت می‌شود؛

زیرا فرض این است که‌ اگر مانع نبود، هلال آشکار می‌شد و قابلیت رؤیت داشت. کاری که‌ دستگاه می‌کند، صرفاً رفع مانع است.

۲۵. اگر از طریق دستگاه، محل هلال مشخص شود و پس از نشان دادن مکان آن، مردم بتوانند آن را ببینند، بدون اشکال هلال ثابت می‌شود؛ زیرا فرض این است که‌ رؤیت



وفاقی ممکن، مبارک و بس ضرور

آیت‌الله علیدوست



شود؛ همان‌گونه که دانشمندان و ایستادگان بر قله علم در سایر علوم هم با هم اختلافاتی دارند، بدون اینکه یکی بتواند دیگری را قانع کند.

۴. سوگمندانه باید گفت: فرآیند اجتهاد هرچه باشد، بازتاب منفی اختلاف در عید فطر چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و از کنار آن، به‌راحتی گذشت. ملاحظه کنید (بدون اینکه خواسته باشیم، بزرگنمایی یا سیاه‌نمایی شود) در عید فطر سال گذشته (۱۴۲۱ قمری) چه‌ها گفته شد! اولاً توده مؤمنان سرگردان بودند، بدون اینکه نسبت به این اختلاف‌ها توجیه باشند. ثانیاً سایت‌ها و صدا‌های بیگانه و ضلال چه تبلیغاتی راه انداختند و تقابل‌هایی حتی گاه سیاسی را تبلیغ کردند؛ درحالی‌که آشنایان به امر استنباط می‌دانند، ذره‌ای از تقابل در کار نبود؛ ولی به هر حال تبلیغات با‌اث‌ر نیست. ثالثاً گروهی از داخل هجمه‌هایی را به ساحت برخی مراجع لازم‌الاحترام داشتند؛ حتی صحبت از عدول از مسئله تقلید را مطرح کردند. امری که به‌زعم ما بدعتی بس ناصحیح است.

۵. به نظر می‌رسد اینکه مسئله هلال شَوال و عید فطر بزرگ‌نمایی نشود و هریک از متدینان در این موضوع از مرجع تقلید خویش پیروی کند، (با اعلام عید فطر، روزه نگیرد و با عدم اعلام به‌عنوان روز آخر رمضان، روزه بگیرد)

هرچند راه حلی دلسوزانه و قابل احترام است؛ لکن جلو برخی سرگردانی‌ها و سوء استفاده‌ها را نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد، بتوان برخی راه حل‌ها ارائه کرد که ضمن ممکن بودن، موجه بودن و برخوردار بودن آن از انضباط فقهی از آسیب کمتری برخوردار باشد؛ بلکه به‌شرط اجرای کامل آن بدون آسیب است.

- ۶. راه مورد نظر این است:

مراجع عظام ضمن حفظ مبنای فقهی خویش، امر اعلام فطر را به یک شخصیت یا نهاد واگذار کنند و پرسش‌گران را به آن شخصیت یا نهاد ارجاع دهند. با این توضیح:

اگر مبنای فقهی فرد ارجاع‌دهنده با مبنای مرجع اعلام عید موافق باشد که مسئله حل است و اگر اختلافی هست، اختلاف در امور پیرامونی و مصداقی است که اعلام مخالفت در این‌باره لازم نیست (ادامه یادداشت مطلب را بهتر روشن می‌سازد).

و اگر اختلاف در مینا دارند و مرجع اعلام عید بر مبنایی اعلام کرده که شخص ارجاع‌دهنده قبول ندارد، درصورتی‌که ارجاع‌دهنده، اعلام عید را امری حکومتی بداند، (اعلام عید را داخل در گستره حکم حکومتی بداند؛ چنانکه از برخی روایات استفاده می‌شود) همگان می‌دانیم که در این صورت تا قطع به خلاف واقع بودن نداشته باشد، حق مخالفت ندارد یا مخالفت لازم نیست. البته به‌شرطی که مرجع، اعلام حکم حکومتی کند (در این باره به کتب فقهی قضا مراجعه شود) و واضح است که مسائل سه‌گانه اختلافی مورد اشاره در این یادداشت، یک طرف آن به‌قدری واضح نیست که قطع به خلاف در آن باشد. و اگر آن را امری حکومتی نداند یا (بر فرض بعید) قطع به مخالف واقع بودن مبنای مرجع اعلام‌کننده عید داشته باشد یا حکم حکومتی در این باره صادر نشود، مصلحت عامه، اتفاق همگان بر اعلام عید و عدم تشتت در این باره و جلوگیری از سوء استفاده‌هایی که متأسفانه شاهد آن بوده‌ایم، مجوز بلکه ملزم این توافق و ارجاع است. اینکه امام صادق ^{علیه السلام} در برخی روایات، امر اعلام هلال را به مرجعی غیرمعتبر واگذار می‌کنند و صریحاً می‌فرمایند: «ای والله افطر یوما من شهر رمضان احب الی من ان یضرب عنقی»؛ (به خدا قسم! اینکه در روزی از روزهای رمضان، روزه نگیرم و افطار کنم، برایم دوست‌داشتنی‌تر از این است که گردنم زده شود) یا می‌فرمایند: «کان افطاری یوماً و قضاوه ایسر علی من ان یضرب عنقی و لایعبد الله»؛ (اینکه یک روز از رمضان را روزه نگیرم و آن‌را قضا نمایم، آسان‌تر از این است که کشته شوم و خداوند هم عبادت نشود)، می‌تواند در این باره الهام‌بخش باشد.

واضح است، به غایت ساده‌اندیشی است که گفته شود، فرمایش امام ^{علیه السلام} در فرض تقیه است و مفروض در بحث، فرض تقیه نیست؛ زیرا پاسخ داده می‌شود که تقیه به‌عنوان یک مصلحت عام، مجوز افطار شده است و عدم تشتت و اختلاف مسلمانان و عدم سوء استفاده بیگانگان از دین نیز، یک مصلحت مهم است. ضمن اینکه فرض امام ^{علیه السلام} در روز قطعی از رمضان است و چنین قطعی در مفروض کلام کنونی ما نیست.

۷. چنانکه ملاحظه کردید (به‌دلیل اینکه نخواسته‌ایم، پیشنهاد خود را بر مبنایی خاص بنا کنیم) این پیشنهاد در صدد گفت‌وگو از بحث‌های ماهوی راجع به اختلافات مورد اشاره نیست. در واقع پیشنهاددهنده معتقد است، توجه به عنصر مصلحت مورد نظر شارع و دفع مفسده، می‌تواند آنچه را یک بن‌بست فقهی می‌نمایاند، حل کند.

مگر نه این است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران دادگاه‌ها – به‌حق – براساس برخی انظار فقهی (به‌عنوان فتوای معیار) به اصدار رأی می‌پردازند؛ بدون اینکه درگیر نظر مرجع تقلید محکوم‌له یا محکوم‌علیه باشند و مگر نه این است که بزرگان فقه – به‌حق – با اعلام ایام عرفه، قربان و تشریق به اظهار نظر نمی‌پردازند و کار را به دیگران (فقه‌ای غیرامامیه) – با اینکه بدون مصلحت مورد اشاره، نظر آنها حجتیت برای ایشان ندارد – واگذار می‌کنند و اینکه بین این موارد تفاوت فارق گذاشته شود، به نظر قابل دفاع نیست.

البته تصمیم نهایی در این‌باره با بزرگانی است که زجم این امر هستند و هرآنچه تصمیم بگیرند، باید به آن احترام گذاشت؛ لکن زعامت این اعظام نسبت به این امر مهم، مانع بحث و گفت‌وگوی منضبط دیگران در این‌باره نیست.

- ۸. بسیار به‌جا – بلکه بایسته – است که رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با اختصاص برنامه‌ها و ترجیحاً میگزدهایی کاملاً علمی مردم را نسبت به این امر به‌ویژه آنچه در امر دوم و سوم بیان شد، توجیه کنند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله علیدوست

تکثّر و اختلاف باشد؛ از این رو از شنون حاکم اسلامی است. برخلاف احکام شرعی فقهی که قابل تکثّر و محل ابراز آراء و نظرات مختلف است.

- حکم به روّیت هلال**

صاحب جواهر به‌عنوان یکی از مدافعان ولایت عامه فقیه، با توجه به روایات، محدوده صدور حکم و انشای فقیه عادل را منحصر به مقام قضا و رفع منازعه ندانسته و احکامی مانند حکم به روّیت هلال اول ماه را نیز از شنون ولی فقیه می‌داند.^۷

در علم فقه هم، نظر فقیه و مرجع تقلید، از موارد و معیارهای اثبات روّیت هلال ذکر نگردیده و آثار شرعی بر قول فقیه و مرجع تقلید (بما هو فقیه و مفتی) مترتب نشده است؛ بلکه یکی از موارد اثبات روّیت هلال ماه، حکم حاکم اسلامی ذکر شده است.^۸ بنابراین اگرچه روّیت هلال ماه صرفاً از امور حکومتی نیست و با شهادت عدول و یا اطمینان خود‌انسان و دیگر موارد ذکرشده در توضیح المسائل، نیز اثبات می‌شود؛ ولی اگر از دیدگاه حکمی از احکام حکومتی که مخصوص حاکم اسلامی است، به آن نگاه شود، جزء شنون ولی فقیه است؛ یعنی حکم دادن به اینکه اول ماه است، از شنون ولی فقیه است.

منبع: اسلام کوئست

- پی‌نوشت**

۱. ترک: هادی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، ص ۱۳۸، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ پنجم، ۱۳۸۹؛
۲. همان، ص ۱۴۱؛
۳. ولایت و دیانت، ص ۱۴۱؛
۴. ولایت و دیانت، ص ۱۲۲ – ۱۲۱؛ توضیح المسائل (المحلی للاحام الخمینی ^{علیه السلام})، ج ۱، ص ۳۵، س ۵۵ و ص ۳۶، س ۶۲؛
۵. جواهرالکلام، ج ۴۰، ص ۱۰۰؛
۶. اقتباس از پاسخ ۷۱۷۹ (سایت: ۱۳۹۱/۷)؛
۷. جواهرالکلام، ج ۴۰، ص ۱۰۰؛
۸. صراط‌النجاه (المحلی)، ص ۱۹۳؛ سؤال و جواب، ص ۱۲۰؛ توضیح المسائل (المحلی للاحام الخمینی ^{علیه السلام})، ج ۱، ص ۹۶۱ – ۹۵۹، ذیل ۱۷۳۰ و ۱۷۳۱.

هفت باور اشتباه

در مورد روّیت هلال ماه

حرف و حدیث‌های زیادی در مورد ماه رمضان و تفاوت این ماه با دیگر ماه‌های قمری بین مردم رواج پیدا کرده که اغلب آن‌ها نادرست است. پاسخ علمی به ۷ باور نادرست مشهور را بخوانید.

۱. آیا ماه رمضان همیشه ۲۹ روزه است؟

• ماه قمری که برابر دوره هلالی (فاصله زمانی وقوع دو هلال کاملاً یکسان) است، به‌طور متوسط ۲۹/۵۳ روز طول می‌کشد؛ اما از آن‌جا که تعداد روزهای ماه در تقویم باید عددی صحیح باشد، بنابراین ماه قمری با ۲۹ روزه است و یا ۳۰ روزه. در کشورهای اسلامی، طول ماه‌های قمری براساس معیارهای نجومی پیش‌بینی می‌شود و طول یک ماه در یک سال، ارتباطی به سال‌های دیگر ندارد. بنابراین ماه رمضان می‌تواند مثل هر ماه دیگری ۲۹ یا ۳۰ روزه باشد.

۲. آیا اگر ماه شعبان ۳۰ روزه باشد، ماه بعد (رمضان) ۲۹ روزه خواهد بود؟

• خیر! مدت هر ماه قمری مستقل از ماه قبل است. محاسبات نشان می‌دهد، ماه قمری می‌تواند تا ۳ ماه متوالی ۲۹ روزه یا ۴ ماه متوالی ۳۰ روزه باشد.

۳. چرا با اینکه مقارنه ماه و خورشید اتفاق افتاده، هنوز اول ماه اعلام نشده است؟

• مقارنه ماه و خورشید، معیار ماه نجومی است؛ اما معیار شرعی آغاز ماه قمری، روّیت هلال است. طبق محاسبات نجومی، در بهترین وضعیت جوی هم تا چندین ساعت بعد از مقارنه امکان تشکیل هلال وجود ندارد؛ چراکه خورشید هنوز از پشت رشته‌کوه‌های لبه ماه طلوع نکرده تا نور بر سطح ماه بتابد و هلال تشکیل شود. به‌همین دلیل حتی با تلسکوپ هم نمی‌توان ماه را مشاهده کرد.

۴. آیا همیشه شروع ماه قمری (مثلاً رمضان یا شَوال) در ایران بعد از عربستان است؟

• شروع ماه قمری در هر نقطه‌ای بستگی به مشخصه‌های نجومی در آن کشور و البته ملاک شرعی فقه‌ای آنجا دارد. بنابراین ممکن است شروع ماه در ایران و عربستان یکی باشد و یا متفاوت باشد. توجه داشته باشید که بروز یک روز اختلاف در سطح زمین کاملاً طبیعی است؛ ضمن این‌که اگر به نقشه روّیت‌پذیری هلال ماه توجه کنید، الگوی هذلولی شکل روّیت‌پذیری ماه نشان می‌دهد، نمی‌توان حکم قطعی و همیشگی در مورد روّیت‌پذیری هلال ماه بر اساس موقعیت جغرافیایی صادر کرد.

۵. چرا کشورهای غربی ما (مثل ترکیه و آذربایجان) و همین‌طور شرق ایران (مثل افغانستان و اندونزی) عید فطر را اعلام کردند(در سال ۹۲)؛ ولی هلال در ایران دیده نشد؟!

• معمولاً برخی کشورهای همسایه از کشورهای دیگر (مثل عربستان) تبعیت می‌کنند و این به‌معنی روّیت هلال در آن کشورها نیست. ضمن آن‌که ممکن است به‌دلیل گزارش‌های اشتباه روّیت هلال، آغاز ماه به‌اشتباه اعلام شده باشد. آمارها نشان می‌دهد، ۱۵ درصد از افرادی که به استهلال می‌پردازند، دچار توهم روّیت می‌شوند و گزارش اشتباه ارسال می‌کنند؛ یعنی اگر مثلاً ۱۰۰۰ نفر برای استهلال اقدام کرده‌اند، از نظر آماری باید بیش از ۱۵۰ نفر گزارش روّیت ارسال کنند تا مطمئن شویم، گزارش‌ها درست است. اگر ۱۰۰۰ نفر به استهلال اقدام کرده باشند و تعداد انگشت‌شماری گزارش روّیت ارسال شده باشند، از نظر آماری جزء خطای توهم روّیت محسوب می‌شود.

۶. چرا مشکلات آغاز و پایان ماه قمری فقط برای ماه رمضان اتفاق می‌افتد و در دیگر ماه‌های قمری تغییری اتفاق نمی‌افتد؟

• ستاد استهلال دفتر مقام معظم رهبری و گروه‌های رصدی در آغاز و پایان تمام ۱۲ ماه قمری سال فعال هستند و به رصد هلال اقدام می‌کنند. البته گروه‌های مجهر در ماه‌هایی اعزام می‌شوند که هلال دشوار یا بحرانی است.

اما دلیل آن‌که تغییرات احتمالی در آغاز و پایان ماه قمری بیشتر در مورد ماه رمضان رسانه‌ای می‌شود، به دو عامل برمی‌گردد؛ نخست این‌که قبل از تأسیس مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، معیارهای دقیق برای تعیین آغاز و پایان ماه قمری در تقویم وجود نداشت و به‌همین دلیل در بعضی موارد تقویم با رصدها مغایرت داشت؛ اما دلیل دوم، این است که برای آغاز و پایان ماه رمضان، گروه زیادی از مردم عادی نیز به استهلال اقدام می‌کنند و همان‌طور که در سؤال ۶ اشاره شد، تعداد گزارش‌های اشتباه بسیار افزایش می‌یابد. در سال‌های اخیر، مشکل مشابهی در برخی کشورهای همسایه، باعث برخی اشتباه‌ها در آغاز و پایان ماه‌های قمری شده است.

ذکر این نکته هم الزامی است که در سال‌های گذشته مواردی بوده که پیش‌بینی آغاز ماه قمری با رصد هلال بحرانی تغییر کرده و درنتیجه تقویم هم تغییر یافته است.

۷. آیا ضعیف بودن هلال ماه در شب دو یا سوم ماه می‌تواند دلیلی بر شروع اشتباه اول ماه باشد؟

• خیر! ماه نزدیک‌ترین جرم سماوی به زمین است و در طی یک شبانه‌روز با سرعت زاویه‌ای زیادی جابه‌جا می‌شود؛ به‌همین دلیل به‌سرعت از خورشید فاصله می‌گیرد و بر ضخامت بخش روشن آن افزوده می‌شود. ضمن آنکه مدار ماه به دور زمین بیضوی است و این جابه‌جایی در زمان‌های مختلف یکسان نخواهد بود. بنابراین با نگاه بصری به ماه به‌دقت نمی‌توان تعیین کرد که شب چندم ماه قمری است.

منبع: خیر آنلاین

اشتراک افق حوزه

۰۲۵ - ۳۲۹۰۵۵۳۶

۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰